

بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

صفحه ۸

راه توده

شهرمداران حزب توده ایران در خارج از کشور

جمعه ۱۹ فروردین ۱۳۴۲ مطابق ۲۴ جمادی الاخر
۱۴۰۲ و ۸ مهر سال
سال اول شماره ۳۶
بیجا، ۱۰ فروردین سال

دشمنان انقلاب در صدد بازپس گرفتن مواضع از دست داده خود هستند.

هشده اراستگرایان حامی کلان سرمایه داران و بزرگ زمین داران به بازسازی گذشته سیاه کمر بستگانند. حجت الاسلام قاضی هرنندی در سمینار سراسری هیئت های هفت نفره واگذاری زمین (اصلاعات ۲۴ اسفند ۶۱) در پاسخ یکی از اعضای هیئت هفت نفره، که عنوان کرده بود: بعضی می گویند: "بروید زمینهای خود را پس بگیرید" اظهار کرد: "زمین هایی که قبل از توقف بند "ج" و "د" واگذار شده، شرعی و قانونی است."
آیت الله موسوی اردبیلی در "بحث با اساتید حوزه": "آنها در مورد بند "ج" (مربوط به موسساتی که با وام های کلان دولتی ایجاد شده) صنایح می گفتند: با وجود توقف بند "ج" چرا اینگونه صنایع به صاحبانشان پس داده نمی شود؟ ("این بنده خدا را به چه مناسبتی مالش را گرفته اند") (کیهان ۲۶ اسفند ۶۱).
این دو نمونه، که در فاصله دو روز در روزنامه های ایران درج شده اند، پرده از روی یک شیوه و "سیاست" راستگرایان و حامیان آنها، که تا بین "اساتید حوزه" نیز نفوذ کرده اند و پایگاه دارند، برمی دارند. پرده از روی این کوشش آنها بر می دارد، که سعی در "بازسازی" گذشته سیاه می کنند. پرده از روی این واقعیت بر می دارد، که هیچ وسیله ای، بلی هیچ وسیله ای و هیچ شیوه ای را آنها برای دسترسی به اهداف خود "حرام" و غیر مجاز نمی دانند. بقیه در صفحه ۷

قانون اساسی را نام و تمام اجرا کنید

"چرا اصل ۴۵ و ۴۹ قانون اساسی را اجرا نمی کنید؟"
"چرا ضعف را از کوشش بیرون نمی آورید؟"
(آیت الله مشکینی - نماز جمعه ۵ فروردین ۶۲)
در روزهای آغازین پنجمین بهار آزادی "فریاد" هشدار دادند: "روحانیونی که از اول در انقلاب بده اند" بلند شدند و اجرای قانون اساسی، این خونبهای شهیدان گلگون گفن انقلاب و دفاع از میهن انقلابی را می طلبد.

ما صمیمانه و بدون کم و کاست و بدون هرنوع چشمداشتی این خواست روحانیت مبارز، این خواست همه مسلمانان مبارز و پیرو راستین خط ضد-امپریالیستی و خلقی انقلاب را مورد پشتیبانی قرار می دهیم.
ما یکبار دیگر اعلام می کنیم، که پیروان سوسیالیسم علمی در ایران و یا خارج از ایران، به مثابه ندای پرتوان در دفاع از خواستهای زحمتکشان میهن ما و همه میهن دوستان و حامیان مستضعفان، بسا تمام مسلمانان مبارز، با خلق انقلابی دارای منافع مشترکند و از این رو مسلمانان مبارز و توده ای ها و فدائی های (اکثریت) و همه نیروهای راستین ضد امپریالیست و خلقی متحدان واقعی و طبیعی یکدیگرند.

اتحاد عمل (ونه وحدت اید تولهی) ایسن نیروها در جبهه متحد خلق تنها شرط پیروزی خواست های خلق است، تنها شرط اجرای اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، شرط بقیه در صفحه ۴

هشدار باش اتحاد شوروی اسرائیل باید به بازی با آتش خاتمه دهد

دولت اتحاد شوروی در بیانیهای درباره اوضاع مشنج در خاور نزدیک، ضمن فاش ساختن تدارک اسرائیل برای حمله راهزنانه به سوریه و اظهار مقامات اسرائیلی درباره اجتناب باید بیرون رفتن جنگی، آنرا شدیداً محکوم ساخته و به اسرائیل هشدار داده است که به بازی با آتش خاتمه دهد. در این بیانیه آمده است: "اینبار نیز همچون گذشته کوشش میشود تا این برنامه های تجاوزکارانه تحت پوشش "حفظ امنیت" اسرائیل توجیه شود. اقدامات دفاعی سوریه در شرایط خطر فزاینده از طرف اسرائیل نیز به عنوان بهانه انجام این تدارک محسوب میشود."

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

ارسال نامه های اعتراضی به مقامات مسئول جمهوری اسلامی ایران در رابطه با دستگیری رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول و سایر رهبران حزب توده ایران، همچنان ادامه دارد.
در نامه حزب سوسیالیست پیشرو الجزایر به حجت الاسلام خامنه ای رئیس جمهور از جمله میخوانیم: "این یازده اشتباهی توجیه ناپذیر، لطمات جدی به پرستیژ بین المللی انقلاب اسلامی ایران بخصوص در میان نیروهای میهن پرست و مترقی الجزایر که از دستاوردهای مهم این انقلاب در زمینه مبارزه ضد امپریالیستی حمایت می کنند، وارد خواهد آورد."
در نامه پس از پرداختن به تاریخچه مبارزاتی حزب توده ایران و رهبران آن طی دوران دیکتاتور شاه و سپس خط و مشی پشتیبانی انتقادی و سازنده حزب از دستاوردهای مثبت انقلاب و ذکر این مسأله مهم که این عمل چگونه نفست و وشایعه پراکنی تفرقه افکنان، محافل ارتجاعی و ماجراجویان چپ نما را برانگیخته است، آمده است: بقیه در صفحه ۲

زنده باد حزب توده ایران مدافع راستین استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

بقیه در صفحه ۱

"این یازد اشتها تنها مایه خشنودی محافل امپریالیستی، صهیونیستی و ارتجاعی میشود، زیرا که به منافع آنان خدمت می کند".

سهس روی این مسأله مهم تکیه میشود که چگونه این برنامه از طرف محافل ارتجاعی و محافظه کار طرح ریزی و بعورد اجرا درآمده است و محافل بالا چگونه با جلوگیری از اجرای اصلاحات مترقی بنفع زحمتکشان، توطئه بزرگی را طرح ریزی کرده اند که این یازد اشتها بخشی از آنست و روی این مسأله مهم تکیه می کند که: "این یازد اشتها تهاجم به حقوق میهن پرستان و زحمتکشان شریف ایران است و به دشمنان انقلاب بانه جدیدی میدهد که این بار فاکتی واقعی را برای تأیید شایعه پراکنی های خود در رابطه با زیر پا گذاردن حقوق بشر و مکرسی در ایران از طرف حاکمیت را عنوان کنند".

در پایان ضمن تأکید مجدد بر خطری که در لخطات بحرانی کنونی انقلاب ایران را تهدید می کند و ابراز نگرانی در مورد این اعمال سرکوبگرانه، چنین آمده است:

"کمونیستهای الجزیر، هواداران انقلاب ایران هستند، از شما درخواست می کنند، همراه با سایر رهبران آگاه و میهن پرست انقلاب ایران، در زمینه آزادی رهبران حزب توده که بناحق در زندان بسر می برند، اقدام کنید، زیرا که تنها در این صورت انقلاب میهن شما وجهه دمکراتیک و مترقی کسب کرده و فقط از این طریق حمایت مردم ما و کلیه نیروهای هوادار صلح و ترقی را بخود جلب خواهد نمود".

حزب چپ کمونیست های سوئد در اطلاعیه مطبوعاتی خود در روز ۲۳ فوریه بمناسبت یازد اشت رفیق کسانوری و دیگر رهبران حزب توده ایران چنین می نویسد: ما هم مانند تمام مردم سوئد از واژگون شدن رژیم شاه خوشگام شدیم و امید وار بودیم انقلاب به دموکراتیک شدن کشور و بهبود وضع زندگی توده های مردم منجر گردد. رژیم جدید انقلابی ایران در ابتدا در این جهت عمل میکرد. ایران از چنگال امپریالیستهای آمریکائی نجات یافت. ولی بعد ها، برخلاف هدفهای انقلاب و قانون اساسی کشور، تضحیفات علیه حقوق دموکراتیک و آزاد بهسای سیاسی آغاز شد. سهس رژیم ایران شروع به تعقیب حزب توده ایران کرد که تصور می نمود با پیروزی انقلاب امکان فعالیت و آزادی عمل برای نیروهای مترقی فراهم شد. ششم فوریه بسیاری از رهبران حزب یازد اشت شدند. در میان آنان کسانی هستند که زندگی خود را وقف مبارزه علیه رژیم شاه کرده و در زندانهای او شکنجه شده اند. در پایان حزب چپ کمونیستهای سوئد علیه یازد اشت رهبران حزب توده ایران

اعتراض کرده است.

بطوریکه روزنامه اونیٹا ارگان حزب کمونیست ایتالیا در تاریخ ۲۷ فوریه می نویسد، دبیرخانه حزب کمونیست در یکی از اسناد خود "عمیقترین نگرانی خویش را بمناسبت یازد اشت رفیق نورالدین کسانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر رهبران و فعالین حزب ابراز داشته است. حزب کمونیست ایتالیا احساسات همبستگی خود را نسبت به رفیق کسانوری و دیگر رفقا که از این تدابیر تضحیقی صدمه دیدند بیان کرده است".

حزب سوسیالیست استرالیا طی نامه ای به سفارت جمهوری اسلامی ایران در این کشور مینویسد:

خواهش می کنیم شدیدترین اعتراض حزب سوسیالیست استرالیا را علیه یازد اشت رهبران حزب توده ایران و از جمله دبیر اول حزب به دولت متبوع خود اطلاع دهید.

حزب توده ایران همیشه در راستای منافع توده های زحمتکش مردم ایران عمل کرده و با امپریالیسم مبارزه می نموده است. هنگامیکه جنبش انقلابی به رهبری آیت الله خمینی با موفقیت رژیم شاه را که مورد پشتیبانی امپریالیسم آمریکا بود سرنگون کرد حزب توده ایران همراه با نیروهای میهن پرست گام برداشت. این حزب پس از پیروزی انقلاب بعنوان یک حزب مسئول از تدابیر مردمی و ضد امپریالیستی خط انسام خمینی همیشه پشتیبانی میکرد. ماست. این هجوم اخیر تنها میتواند بسود کسانی باشد که با منافع واقعی جمهوری مخالفند. حزب سوسیالیست استرالیا خواهان قطع پیگرد هائلیه حزب توده ایران است و میخواهد که به این حزب اجازه داده شود کار علنی خود را ادامه دهند.

آلن میلر دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست استرالیا

روزنامه "خرفاکی" ارگان حزب آکل فبرس یازد هم مارس در ارتباط با موضع گیری ۲۶ حزب کمونیستی و کارگری شرکت کننده در کنفرانس حزب کمونیست ایتالیا مینویسد: "یازد اشت گسروه بزرگی از رهبران و اعضای حزب توده ایران و خطری که جان آنها را تهدید می کند موجب اعتراض نیروهای دموکراتیک در سراسر جهان شده است. در میان این دستگیرشدگان رفیق نورالدین کسانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران نیز وجود دارد".

۲۶ حزب کمونیست و کارگری در یک سند مشترک خواهان قطع هجوم نیروهای راست واپسگرا علیه حزب توده ایران و آزادی

رهبران و اعضای حزب گردیده اند.

حزب توده های مترقی گویان در یک بیانیه مفصل رویداد های اخیر پیرامون یازد اشت رهبران و اعضای حزب توده ایران را مورد پیرو قرار داده و نگرانی عمیق خود را ابراز داشته است. این حزب خواهان آزادی رهبران و امکان فعالیت علنی و آزادی نشریات شده است.

این بیانیه در بولتن خارجی این حزب به چاپ رسیده است.

در بیانیه ای که حزب کمونیست هند وستان روز ۲۷ فوریه در این رابطه انتشار داده است، ضمن اشاره به اتهامات جعلی واهی "جاسوسی" و "اقدامات ضد دولتی" که به رفقای حزبی وارد آمده است، و بر شمردن سابقه مبارزاتی رفقا و حزب طی دوران ۴۱ ساله تأسیس آن، آزادی فوری آنان خواسته شده است.

روز چهارشنبه ۱۶ مارس ۱۹۸۳ بمناسبت صدمین سال درگذشت کارل مارکس مراسمی از طرف حزب کمونیست بریتانیا در لندن برگزار گردید. در این مراسم که در آن عده کثیری شرکت کرده بودند بدعوت کمیته اجرایی حزب کمونیست بریتانیا، ناتولی اگوزف مدیر انستیتی مارکسیسم - لنینیسم مسکو و عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و همچنین هورست دوهولس دبیر کمیته مرکزی حزب اتحاد سوسیالیستی جمهوری دمکراتیک آلمان نیز شرکت کرده و در باره کارل مارکس و مارکسیسم - لنینیسم در زمان حاضر صحبت کردند.

بیل دن مسئول قسمت لندن حزب کمونیست بریتانیا که مسئولیت جلسه را بعهده داشت بنا قرائت قسمتی از اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران که بمناسبت یازد اشت غیرقانونی رفیق کسانوری و سایر اعضا رهبری حزب صادر شده خواستار اقدامات همه جانبه و سریع برای حفظ جان و آزادی آنها و همچنین آزادی فعالیت حزب توده ایران طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران شد.

همچنین روزنامه انگلیسی "مورنینگ استار" در شماره ۱۷ مارس خود می نویسد: "اکنون که مسائل اساسی اجتماعی در ایران در دستخیز روز قرار گرفته و برنامه های حزب کمونیست این کشور نظر توده های وسیعی را بخود جلب کرده است، عناصر راستگرا در بین مسئولین اسلامی این کشور از حسیه اختناق بعنوان تنها راه مقابله با اجرای برنامه های مترقی استفاده می کنند. مطالب بالا هشدار می بود که در این هفته از طرف حزب توده ایران داده شد که در آن بقیه در صفحه ۳

رفیق ابوتراب باقرزاده: ۲۵ سال استقامت و مصاف ایدئولوژیک در زندان



رفیق ابوتراب باقرزاده، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران، آزاد مردی که به "جرم" سیا و ساواک، مصاد ساخته پس از بیست و پنج سال زندان، نباردیگر در بند است.

رفیق باقرزاده یکی دیگر از رهبران حزبی است که سراسر زندگی آگاه خود را وقف آزادی و بهرگز توده رحمتکش و استقلال میهن ما ایران گسرده است.

ما با اطمینان بنیز نزلت میدانیم که ستمهای تاریخ به هر شکل که باشد، گذراست. ولی از کسانی هم بپرسید که بار این ستم را سالیان دراز به دوش می کشیدند. از بازماندگان بپرسید که سراسر بلدای استبداد مقاوم ایستادند و رزمیدند و اینک پس از انقلاب پیروزند مردم دواره در بندند. کسانی که قهرمان بودند و یک لحظه به قهرمانی خود نمی اندیشیدند.

کسانی که در دادگاه جنایی دولت شاهنشاهی، در محاصره کارآگاهان سیا و ساواک، در محاصره داورانی با ردای سیاه و با روح سیاه، با دلاوری یک پهلوان و با وظیفه شناسی یک سرباز سخن گفتند، سخنانی که طنینش هنوز د یوارها عصر ما می لرزاند.

رفیق باقرزاده، مردی که روح پر نشاط، اثر-ژی جوشان و اعتقاد راسخ به راه حزب شاخص های او به عنوان رزمنده و انسان است.

رفیق باقرزاده، در چهاردهم آذرماه ۱۳۰۹ در روستای چهره، از بلوک بابل کنار، در ما-زندران، در یک خانواده روستایی تولد یافت و دوران کودکی را در همین روستا گذراند و دبستان را نیز در ده درازکلا و سال آخر آنرا در دبستان گنج افروز شیرگاه به پایسان رساند. او در تمام این مدت از نزدیک با زندگی و شرایط کار و خواسته های دهقانان مازند رانی آشنا بود و در آن محیط بزرگ شد. رفیق باقرزاده در سال ۱۳۲۳ به بابل رفت تا دبیرستان را بخواند و تا سال ۱۳۲۹ در همان جا درس می خواند و ضمناً شاهد اوچگیری مبارزات مردم و نبرد ضد استعماری و ضد استبدادی خلق ما بود و از همان موقع با تمام قلب و اندیشه خود با این نبرد عظیم پیوست.

رفیق باقرزاده پس از ورود به دانشکده شهرتانی در سال ۱۳۳۰ به عضویت در حزب توده ایران (سازمان نظامی) درآمد. وی هنگامی که در سال ۱۳۳۱ از دانشکده افسری شهرتانی فارغ التحصیل گردید، وارد دانشکده حقوق شد.

رفیق باقرزاده ابتدا در کلاشتری تهران خدمت می کرد و بعد به زندان قصر منتقل شد و تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نگهبان دارالتدابیب بود.

پس از کد تا رژیم او را مظنون به فعالیت سیاسی تشخیص داد، ولی چون سند و مدرکی نداشت او را به بند عباس تبعید کرد. بعد از کشف شدن شبکه سازمان نظامی حزب توده ایران، رفیق باقرزاده، به علت عضویت در سازمان و به اتهام فعالیت به خاطر سرنگونی رژیم، دستگیر شد. او هم مانند عده های دیگر از رفقای هم رزمش به اعدام محکوم شد. در این دوران او روزها هفته های دشواری را گذراند، زیرا شاهد تیرباران جمعی از بهترین رفقا و دوستانش بود. روزها هفته هایی که از شکنجه های مستقیمی که به خود او وارد می شد، بیچاره د شوارتر گذشته است. سرانجام پس از یکسال، حکم اعدام به محکومیت ابد تبدیل شد. تنها انقلاب بزرگ ضد امپریالیستی و دمکراتیک مردم ایران بود که توانست، در همان امواج کوبنده پیش از پیروزی نهایی اش، در آبانماه ۵۷، درهای زندانها را بگشاید و رفیق ابوتراب باقرزاده را، پس از ربع قرن زندانی بودن در سیاهچالهای رژیم سلطنتی، آزاد سازد.

رفیق باقرزاده این مدت را در زندانهای قصر، بزارجان، مشهد و این به سر برده است. این ۲۵ سال، سالهای نبرد دشوار، ولی قطع نشدنی، سالهای استقامت و مردانگی، سالهای آموختن و به دیگران آموختن بود. رفیق باقرزاده تمام این زندانها را به صحنه مبارزه بدل کرد، خودش آبدیده تر و پخته تر شد، دهها جوان پرشور، ولی بی تجربه را تربیت کرد و راه درست و پر ثمر مبارزه را به آنها آموخت.

در مصاف های ایدئولوژیک درون زندان فعالانه شرکت کرد. و همه اینها در شرایط شکنجه های مداوم، آزار و اذیت، تبعیدها و زورکوبی ها در شرایطی که تنها آزاده پولادین و عشقی بی کران به خلق رحمت کش بود در آن تاب بیارود و پیروز شود.

علیرغم تمام دشواری زندانها و شکنجه گاههای مهیب رژیم شاه مخلوع، رفیق باقرزاده هرگز شوخ طبعی و بذله گویی خوشش را، که همواره از همان دهات مازندران با خود داشت، تسسرك نکرد. به گفته همزنجیرانش، "رفیق روز سختی و فشار، فرزند صادق طبیعت بی غل و غش "بؤ" و باقی ماند. این صفات، همراه با ذوق هنری و ادبیش (منجمله در شرایط زندان چندین رمان را به فارسی برگردانده است) سیاهی اخلاقی این انسان محبوب و پرکار، این مبارز سرسخت و تسلیم ناپذیر، این دهقان زاده ما-زندرانی و افسر سابق، این زندانی سیاسی ۲۵ ساله و عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران را می سازد.

احزاب برادر و نیروهای ضد امپریالیستی از حزب توده ایران دفاع می کنند

بقیه از صفحه ۲

خواستار آزادی و دبیر اول حزب نورالدین کیانوری و چند تن دیگر از اعضا، کمیته مرکزی که در اول فوریه در تهران بازداشت شدند ماند گردید. در هند از حزب توده ایران همچنین آمده است: "کشور یا دشواریهای اقتصادی و اجتماعی جدی روبروست، گرانی بیداد می کند، توده های ستمکش از تأمین حداقل زندگی عاجز مانده اند و دولت موظف است که به نیاز آنها پهر صورت پاسخی بدهد."

روزنامه "مورنینگ استار" در پایان پسراری خوانندگان خود آدرس دریافت نشریات حزب توده ایران در بریتانیا را درج کرده است.

درود بر کمیته مرکزی حزب توده ایران

قانون اساسی را نام و تمام اجرا کنید

بقیه از صفحه ۱

آن است که بتوان بر روی برنامه مشترکی که در چهارچوب همین قانون اساسی موجود تنظیم شود، قدم به قدم، اما با قدمهای استوار و روشن و بیکیفر و قاطع، مستضعفان را از کوچه بیرون آورد! **چرا اتحاد عمل مسلمانان مبارز و پیروان سو-سیالیسم علمی شرط اجتناب ناپذیر تحقق منافع خلق است؟**

این سؤالی است که به درستی هر روز بیشتر و روشنیتر از طرف زحمتکشان و نیروهای راستین ضد امپریالیست و مردمی مطرح می شود و یکبار دیگر دهها سال است که زحمتکشان میهن ما بسراری دسترسی به خواست های حق و انسانی خود می رزمند. از جمله و برای نمونه زحمتکشان روستا در میهن ما خواستار آنند، که زمین متعلق به خود را شخم بزنند و نه برده و بنده و رعیت اربابان و خان ها و زمین داران بزرگ باشند. خیر این خواست در تمام جنبش های دهقانی قرن اخیر در میهن ما مطرح و در واقع یکی از وظائف انقلاب مشروطیت نیز بوده است.

اربابان، فئودال ها و خان ها و زمین داران بزرگ، همه و همه، در تمام طول این سالها از همان نوع "مسلمانان" بودند، که اکنون نیز هستند: معاویه ها، از همان "اسلام" دفاع کردند، که اکنون نیز می کنند: "اسلام معاویه ها" اسلام "آمریکائی".
منافع طبقاتی آنها، که غارت زحمتکشان ده محتوا آنرا تشکیل می دهد، همان بوده است، که اکنون نیز هست، آنها از همان مالکیت فاسدانه و جبارانه خود دفاع می کردند، که اکنون نیز می کنند، آن ها این مالکیت فاسدانه را (که امام خمینی در باره آن می گویند: "من خودم از ظلم و ستم خوانین و فئودالها اطلاع دارم، که چگونه مردم فقیر را به زور بگاری گرفتند، چگونه با زجر شکنجه آنها را وادار بگاری کردند" (سخنرانی در مجمع شورای نگهبان - اطلاعات ۲۲ اسفند ۱۳۶۱)) "مقدس" اعلام می کردند و اکنون هم این مالکیت فاسدانه را "مقدس" اعلام می کنند!

به عبارت دیگر در تمام طول این سالها خان ها و فئودالها، بزرگ زمینداران و مالکین که "معلوم است که... اموالشان روی مشروعیست به ایمن زیادی نمی شود" (امام خمینی) ، با همسانان ایدئولوژی "اسلام معاویه" و "اسلام آمریکائی" به جنگ خواست دهقانان رفته بودند، که اکنون هم میروند.

"خوی زمینخواری، باغداری و کاخ نشینی" (امام خمینی - بیانات به مناسبت نوروز ۶۲) این غاصبین ابزار اعمال ظلم آنها بوده است و زحمتکشان را با این ابزار "یک عمر زیر ظلم کاخ نشین ها" نگاه داشتند (همانجا).

"ایدئولوژی" این "غاصبین" و "طالبین؟" این خان ها و فئودالها و بزرگ زمین داران در کشورهای اسلامی رنگ "اسلامی" دارد، در جوامع غیر اسلامی، رنگ مسیحی و انواع دیگر آن را دارد. این "ایدئولوژی"، چیزی است

ضد ایدئولوژی زحمتکشان، که در میهن انقلابی ما عدتاً زیر پرچم "اسلام انقلابی" می ریزد و در بین خلق های دیگر و در جنبش های ضد امپریالیستی و خلقی دیگر به نوعی دیگر مطرح است. این دو "ایدئولوژی": ایدئولوژی بزرگ زمین داری و ایدئولوژی ضد آن، که متعلق به خلق است، در مقابل هم قرار دارد.

همانطور که مدافعان ایدئولوژی اول، ایدئولوژی بزرگ زمین داران در تمام کشورها و با وجود تمام رنگ آمیزی های متفاوت آن، متحدان طبیعی یک-دیگرند، مدافعان "ایدئولوژی" ضد فئودالی در تمام کشورها، با تمام رنگهای متفاوت نظرات و "ایدئولوژی"، آنها نیز متحدان طبیعی یکدیگرند. **این دو ایدئولوژی، هر کدام با مدافعان خود در یک سمت این صاف تاریخی قرار گرفته اند.**

به طریق اولی مدافعان این دو ایدئولوژی فئودالی و ضد فئودالی در یک جامعه نیز در مقابل هم قرار گرفته اند، آنها که در آن سوی صاف قرار دارند، متحدان طبیعی یکدیگرند و اینها که در این سوی صاف قرار گرفته اند نیز متحدان طبیعی یکدیگر میباشند.

ابزار اختلاف انداختن و ایجاد تشتت بین آنها که دارای ایدئولوژی ضد فئودالی هستند، یکی از عده ترین ابزار ادامه تسلط آنهاست است که از ایدئولوژی فئودالی دفاع می کنند. آنها در تمام طول تاریخ بشری از این ابزار جنایتکارانه به نفع خود استفاده کرده اند و بین سیاه و سفید، بین زرد و سرخ اختلاف انداخته اند تا "ایدئولوژی" خود و منافع طبقاتی و ظالمانه خویشرا حفظ کنند.

اکنون در میهن ما آنهاست که دارای "ایدئولوژی" ضد فئودالی هستند، هم مسلمانان مبارز می باشند، که پیرو "اسلام انقلابی" اند و هم توده ای ها و فدائی ها (اکثریت) اند، که با جسارت و راستی نظریات و اعتقادات خود را اعلام می کنند - و این صراحت دلیل صداقت آنهاست.

این دو گروه مدافعان راستین و طبیعی یکدیگر در نبرد طبعی ایدئولوژی فئودالی هستند!

بدیهی است که مدافعان ایدئولوژی فئودالی و خود فئودالها، خان ها، بزرگ زمینداران نمی توانند و نمی خواهند به این "یکی بودن ایدئولوژی ضد فئودالی" نیروهای مردمی در نبرد خود با بزرگ زمین داران تن بدهند و می گویند که این نیروها را به تفرقه بکشاند، تا حاکمیت خود را حفظ کنند و ابدی سازند.

با این تحلیل روشن و صریح و صادقانه است، که ما توده ای ها و فدائی های (اکثریت) در خارج از کشور، به پیروی از حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، از مسلمانان مبارز، از روحانیت مبارزی که "از اول در انقلاب بوده اند"، از خلق ایثارگری "که یک عمر زیر ظلم کاخ نشین ها مانده اند" بدون چشمداشت

دفاع و پشتیبانی می کنیم. دفاع ما از این مسلمانان مبارز، از این خوا خلق برای تامین زندگی بهتر و آینده مطمئن و فارغ از ظلم، که برنامه همیشگی حزب ما بوده است و فرزندان فدائیان آن در این راه جانبازی های اعجاز آفرین کرده اند، دفاعی استراتژیک و طولانی، کوششی مداوم و خستگی ناپذیر است. ما به روشنی می بینیم، که مسلمانان مبارز به تنها قادر نیستند و تاکنون قادر نشده اند با دفع خرابکاری و مخالفت صاحبان "ایدئولوژی فئودالی" منافع زحمتکشان و مستضعفان را تامین کنند، بلکه مجبور شده اند زیر فشار این نیروها مواضع چشمگیری را از دست بدهند. قانون اساسی و اصولی که اجرای آن را آیت الله مشکیانی اکنون طلب می کند از موضعی به مراتب قوی تر و قاطع تر در مجلس خبرگان تدوین شد و به تصویب رسید از آن که اکنون اجرای این اصول طلب می شود و یا در مقابل مخالفان قانون اساسی به مقاومت دست زده می شود.

بدون تداوم طولانی همکاری مسلمانان مبارز با پیروان سوسیالیسم علمی در میهن ما دسترسی به اهداف ضد امپریالیستی و مردمی انقلاب ممکن نیست. این واقعیت را دشمنان انقلاب می دانند و به همین علت تفرقه اندازی می کنند - این است علت دفاع و پشتیبانی طولانی و استراتژیک ما از مدافعان اهداف انقلاب.

- یگدار کوشش دشمنان خلق را مشترکاً خنثی سازیم،
- یگدار "جبهه متحد خلق" - برنامه عمل حداقل مشترک - را تنظیم کنیم و آنرا تداوم دیر نشده است به مورد اجرا در آوریم.
- قدم اول در این راه آزاد ساختن بزرگمردانی است، که اکنون جمهوری اسلامی را به زندانیان آنان تبدیل کرده اند، قدم اول در این راه آزاد ساختن قوری و بدون قید و شرط رفیق نورالدین کیانوری، طراح و سازمانده این برنامه علمی و ملی برای به سرانجام رساندن انقلاب است!

امام خمینی: مردمی که به قانون اساسی رای داده اند ملتزم اند که قانون اساسی اجرا شود

برنامه مشترک علیه امپریالیسم و جنگ

فرهنگی - تاریخی، آرایش مشخص نیروهای طبقاتی داخلی، مواضع متفاوت این کشورها در اقتصاد جهانی و عوامل دیگری توضیح داد.

۲۰ کشور با سمت گیری سوسیالیستی در آسیا و آفریقا در پیشانی مبارزه علیه امپریالیسم، علیه اشکال نو و کهنه استعمار و در راه تحولات بنیادی اجتماعی ترقیخواهان در حرکتند.

البته میان این کشورها نیز بعضی تفاوت ها موجود است. نه تنها در رابطه با مدت زمان تکامل در سمت گیری کنونی، بلکه در رابطه با بقیه در صفحه ۱۷

وجه مشخصه مرحله کنونی با سمت گیری کشور های آزاد شده بسوی صلح و امنیت خلقها و هم چنین پیشرفت اجتماعی معین میگردد.

رد قاطع اشکال مدرن وابستگی تحمیل شده از طرف امپریالیسم و انتخاب راه دفاع از صلح و عدم تصد و مبارزه برای یک نظام نوین اقتصادی از طرف کشورهای آزاد شده، سمت اصلی این روند را تشکیل میدهد.

در عین حال روند تمایز میان کشورهای در حال رشد نیز در جریان است. این روند را میتوان با سطح متفاوت تکامل اقتصادی - اجتماعی و

اوضاع بین المللی پس از جنگ دوم جهانی در هیچ زمانی تا این حد جدی نبوده و نگرانی برای تکامل مناسبات بین المللی نیز بیشتر از امروز نبوده است.

محافل رهبری ناتو و قبل از همه دستگامریکان در جهت کسب برتری نظامی پر کشورهای سوسیالیستی حرکت می کنند و بدنیال سیاست تسلیحاتی بیسابقه ای هستند. سیاستمداران مسئول دولت آمریکا طرح خطرناک امکان جنگ هسته ای محدود را آشکارا تبلیغ می نمایند. هدف از این کار عادت دادن افکار عمومی جهان به امکان انجام چنین جنگی است.

کنفرانس مطبوعاتی آندره گرومبکو

تشنج سیر میکند. هدف اصلی از در پیش گرفتن چنین سیاستی تشدید مسابقه تسلیحاتی و خرید کردن مناسبات با اتحاد شوروی و افزایش بی حد و حصر بودجه نظامی و بالاخره متفرد کردن نیروها نیست که آماده مذاکره با اتحاد شوروی حول مسائل خلق سلاح اند. آمریکائی ها فکر میکنند اگر فشار هر چه بیشتری بر اتحاد شوروی وارد کنند شانسانمعا قرار ادی کباب میباشان باشد افزونتر میگردد.

وی خاطر نشان ساخت که این سیاست به عدم آگاهی درباره اتحاد شوروی و "خصوصیات" ما را میسراند. وی با اشاره به راه حل میانه "ریگان" اظهار داشت که این پیشنهاد غیر جدی بود و برای اتحاد شوروی غیر قابل قبول است. "زیرا اولاً موشکهای از جمله میانبرد انگلستان و فرانسه را بحساب نمی آورد. ثانیاً صد ها بمب افکن هسته ای آمریکائی را که در اروپای غربی و بر ناوهای هواپیمابر مستقرند در نظر نمیگیرد و ثالثاً موشکهای میانبرد اتحاد شوروی را که در مناطق آسیائی آن مستقرند و هیچ خطری برای اروپای غربی ندارند را به میان میکشد. وزیر امور خارجه اتحاد شوروی اظهار داشت که اگر "راه حل میانه" ریگان تحقق پذیرد و ناتسو که اکنون ۵۰ درصد بیشتر از اتحاد شوروی کلاهک هسته ای در اختیار دارد، به برتری نظامی خود را به برابر خواهد رساند. اتحاد شوروی هم در رابطه با موشکهای میانبرد و هم استراتژیک از اصل برابری و امنیت برابر پیروی میکند. اما سیاست آمریکا در جهت نقض و بر هم زدن این اصل سیر میکند. اگر این عمل توسط آمریکا و ناتسو انجام پذیرد نباید هیچ شکی داشت که اتحاد شوروی قادر به دفاع از خود هست و خواهد بود و تمام امکانات آنرا نیز در اختیار دارد. اتحاد شوروی به خاطر آنرا قرار دادی پیرامون خلق سلاح هسته ای در اروپا از خود نرض نشان خواهد داد. وی به خبرنگاران فرسی حاضر تذکر داد که در قریب حقایق درباره جوانب سیاسی و نظامی - استراتژیک و علمی - فنی مسائل تجدید تسلیحات به مردم گفته نشود. در عوض ادعاهای دروغین و ناصحیح و تحریفات و جعلیات به جای ارقام دقیق منتشر میگردد. در مجموع تبلیغات فریبکارانه به مردم حفته میشود. طوری که مردم این کشورها تصویر روشنی از مسائل ندارند.

آندره گرومبکو، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، معاون اول نخست وزیر و وزیر امور خارجه این کشور در ۹ هفته گذشته در یک مصاحبه مطبوعاتی بین المللی شرکت کرد.

وی سیاست اتحاد شوروی در باره مسائل صلح و تنش زدائی و اوضاع جهانی را برای خبرنگاران خارجی و داخلی تشریح کرد و به پرسشهای آنان پیرامون آن پاسخ گفت.

وی در توضیحات خود پیرامون مواضع دولت شوروی اظهار داشت که سیاست اتحاد شوروی متوجه حفظ صلح جهانی، کاهش تنشجات فزاینده بین المللی و برگرداندن چرخ جهانی مسابقه تسلیحاتی و از این طریق تجدید و کاهش تدریجی و سپس نابودی کامل تمام سلاحهای هسته ای است. وی با اشاره به سخنرانی های اخیر ریگان و ادعای وی مبنی بر نشت گرفتن سیاست آمریکا از ارزشهای اولی اخلاقی گفته که شوروی که در حال تدارک مقدمات جنگی از نوع هسته ای است و جنگی که در آن میلیون ها انسان جان خواهند باخت و اجازه ندارند از دفاع از ارزشهای والای اخلاقی سخن گوید.

وی با خاطر نشان ساختن مبانی اساسی سیاست خارجی دولت خود که در جهت صلح و تنش زدائی و دوستی خلقها و عدم مداخله در امور داخلی دیگر کشورها سیر میکند تذکر داد که اتحاد شوروی گزارا پیشنهادهای کاملی برای جلوگیری از جنگ هسته ای و نیز خلق سلاح ارائه داده است. وی در این رابطه ابتکارات متعدد اتحاد شوروی از جمله پیشنهاد برای انعقاد قرارداد بین المللی پیرامون منع استعمال سلاح هسته ای و همچنین اقدامات اخیر یکجانبه اتحاد شوروی مبنی بر خودداری از پیشدستی هسته ای و خصوصاً پیشنهادهای اخیر پیمان ورشو درباره صرف نظر از اعمال قهر را نام برد. آندره گرومبکو تأکید کرد که کشورهای عضو پیمان ورشو آماد ماند تا هر چه زودتر توافقنامه ای با پیمان ناتسو در این رابطه به امضا رسانند.

وی گفت این پیشنهادات تبلیغات عوام قریبانه غرب درباره وجود حتی "خطر حمله اتحاد شوروی با سلاحهای متعارفی" را خنثی میسازد.

وی گفت سیاست آمریکا بهرغم اتحاد شوروی و چنانکه در مذاکرات دو کشور در ژنو دنبال میشود در جهت انصراف از انعقاد قرارداد و افزایش

تا حال هیچگاه جنبش اجتماعی برای رفع خطر جنگ هسته ای، خلق سلاح و صلح، از گسترش و تأثیر کنونی برخوردار نبوده است. مهم ترین ویژگی مرحله کنونی جنبش صلح، در شرکت گسترده ترین اقشار مردم، صدها میلیون انسان، منجمله از کشورهای آسیا و آفریقا نهفته است.

عواقب علاج ناپذیر مسابقه تسلیحاتی بسیاری خلقهای آسیا و آفریقا هر روز نمایان تر میشود. اولاً، دولت های کشورهای آسیا و آفریقای با شرکت در مسابقه تسلیحاتی مجبور میشوند که پیوسته هزینه های نظامی بیشتری را متحمل شده و منابع فکری، مواد خام و انرژی قابل ملاحظه ای را از اقتصاد ملی حذف کنند. ثانیاً تمام عوارض و بیماریهای درونی سرمایه داری امروزی، همچون تورم افزایش قیمتها و دیگر پدیده های بحرانی، تحت شرایط مسابقه تسلیحاتی و تشنج فزاینده بیسن - المللی به آسانی به بسیاری از کشورهای در حال رشد منتقل میگردد و توان مقاومت کشورهای جوان آسیایی و آفریقای در مقابل فشار شرکت های چند - ملیتی کاهش مییابد. ثالثاً کشورهای امپریالیستی، در جو کشمکشهای نظامی هیچ فرقی میان خودی و غریبه نگذاشته و هر روز آشکارتر در امر مداخلی کشورهای در حال رشد مداخله میکنند.

در دوالی سه دهه اخیر تحولات عظیمی در جهان رخ داده است. سیستم استعماری در شکل سنتی خود فروپاشیده است. در مدت نسبتاً کوتاه تاریخی، نظام سرکوب و سلطه بر خلقها که توسط سرمایه داری طی قرون ایجاد شده بود مدفون گردید. بیش از صد دولت مستقل جدید بر خرابه های امپراطوریهای استعماری ایجاد شده. امروزه در جهان بیش از صد و شصت کشور مستقل وجود دارد. اکثر آنها استقلال ملی خود را در پی فرو پاشی نظام استعماری امپریالیستی کسب کرده اند. ارتباط ارگانیک میان مبارزه آزاد بپخش خلقها سه قاره و وجود نظام سوسیالیستی در تجزیه و تحلیل شتاب روند انقلابی جهان غیر قابل انکار است. جنبش آزاد بپخش ملی از یک طرف آن نظر - یات و اشکال مبارزاتی را آموخته است که در روند تحولات در کشورهای سوسیالیستی بوجود آمده است و از طرف دیگر مبارزه آزاد بپخش خلقهای کشورهای در حال رشد بر کمک پیوسته فزاینده سر یجا آبراز داشت که جنبش آزاد بپخش ملی وارد مرحله جدیدی شده است.

مأموران "کامکب" که "اینتلجنس سرویس" آنرا لو داده، جاسوسان "سی آی ای" بوده اند!

بازداشت رفیق نورالدین کیانپوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و دیگر رهبران و اعضای حزب، رویدادی ناگهانی و تصادفی نبوده است. بدیهاست که گروههای بیگانه یا استقلال آزادی و عدالت اجتماعی در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران برای وارد آوردن این ضربه تدارک میدیدند. اکنون که این عوامل نفوذی یا قشری با مرعوب ساختن مسلمانان مبارز و کنارزد نشان از اهرم های قدرت یا مسلوب الاختیار کردن نشان نخستین گام را برداشته اند، بدون شک خواهند کوشید تا گامهای بعدی را نیز بردارند و خود را از "شتر" حزب توده ایران که "ختم لاق" در دهان توده های زحمتکش میکشد خلاص کنند.

هجوم به دفتر حزب توده ایران و اشغال و تعطیل خودسرانه آنها در نخستین سال انقلاب آغاز شد و با مستقر شدن عناصر وابسته به کلان سرمایه داران و زمین داران بزرگ در حاکمیت، کم کم اشکال "قانونی" بخود گرفت. "نامه مردم" نخست یکبار بطور موقت و سپس "بهبانه" توطئه خیزنده، برای همیشه توقیف گردید، دبیرخانه حزب در تهران و دفاتر حزبی در شهرستانها بسته شد و صدها توده های به اتهامات واهی بزندان افتادند که تن آزانرا خود سرانه به جوخه اعدام سپردند. روزنه های دیگر هم بتدریج سدود شد و اشکال گساز انتشارات و دیگر امکانات چیزی باقی نگذاشته اند قصد خفه کردن قطعی صداها و بستن دهانها را کرده اند تا مقدمات وارد آوردن ضربت قطعی برپیکر نیمه جان انقلاب فراهم آید.

در مورد مجریان این توطئه ها باید گفت مردم ایران با کسانی سروکار دارند که نمایندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند و نه خود را برعایت موازین اخلاقی و انسانی مقید میدانند. ایشان حتی در نبرد برای کنارزدن و عقب نشاندن مسلمانان مبارز و مرعوب ساختن آنان، از یکبارگرفتن انواع شیوه های رذیله ناپا نداشتند و ندارند، پس طبیعی است اگر برای رویارویی با دگراندیشان از هیچ عمل زشتی رویگردان نباشند.

تمام روزنامه ها و نشریات وابسته به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مانند روزنامه های جمهوری اسلامی، صبح آزادگان، اطلاعات، کیهان، انو مجلات جوانان امروز، سروش، پیام انقلاب، انقلاب دانشگاهی، جهاد سازندگی و غیره، طی چند سال اخیر بطور منظم در تدارک هجوم عمومی به نیروهای دگراندیش شرکت داشته اند و دارند صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران که بی جای خود!

چند تن از روزنامه نگاران در برخی از آنها مانند جمهوری اسلامی، صبح آزادگان و جوانان امروز، مستقیماً با طراحان این توطئه ها ارتباط دارند و "انتروکسیون" ها را بدون واسطه دریافت میکنند. در بقیه عوامل نفوذی بانقلاب "اسلامی" وظایف خود را انجام میدهند.

حاصل ناگهانی، سردرگمی و عدم قاطعیت رهبری جمهوری اسلامی ایران این شد که انقلاب ما بر اثر قدرت گرفتن عناصر وابسته به سرمایه داران بزرگ مالکان در حاکمیت نتوانست تبدیل بیک انقلاب اجتماعی شود و هرگونه اصلاحاتی بسود کارگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان شهسری و روستایی، بویژه پس از تجاوز عراق به میهن مساعلا متوقف گردید. روشن است که چنین چرخش منفی در روند انقلاب، نمیتوانست موجب واکنش قشرهای زحمتکش و تشنه بد مبارزه طبقاتی نگردد. اینجا بود که دشمنان جنبه های مردمی انقلاب به "چارمردمی" برخاستند و تصمیم گرفتند ضربه شهابی را نخست بر حزب توده ایران سر سخت ترین مدافع خواسته های عادلانه توده های محروم خلق وارد آورند تا سپس سرکوب کارگران و دهقانان آسانتر باشد. آنان خوب میدانند که روشنگری های حزب توده ایران چراغ راهنما و نیروبخش زحمتکشان در مبارزه برای کار، زمین، دستمزد عادلانه، بهداشت کار، درمان، آموزش همگانی و رایگان و پیشرفت اجتماعی است. آقای عبد خدائی نماینده مشهد در مجلس، خرداد ماه سال گذشته در پاسخ به سئوالات تلفنی مردم صادقانه چنین اعتراف کرد:

"به نظر من خطر یک روزنامه روسی در کشور اسلامی از یکصد تانک بیشتر است". در اسن جمله کوتاه هم وحشت طبقات بهره کتر را از روشنگری های حزب توده ایران میتوان دید و هم شیوه رذیله آنرا برای مقابله با دشمن طبقاتی خود. هرکس و هر روزنامه ای که از کارگسران و دهقانان و دیگر محرومان جامعه دفاع کند، بنظر این آقایان "جاسوس روس" روزنامه روسی است!

اما روزنامه جمهوری اسلامی هم که متأسفانه بنام رئیس جمهور منتشر میشود و باید بیش از همه به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پای بند باشد، زیرا که ارگان حزب حاکم است، چه بسا هرگونه قید و بند اخلاقی را بخاطر سر دست یافتن به یک هدف پلید نادیده میگیرد. نویسنده ستون "پاسخ سئوالات سیاسی شما"، روز ۲۳ اسفند ۱۳۶۱ در پاسخ یک سؤال جو ساخته که "آیا دستگیر شدگان برآورد نیروهای ما و حرکات و نقل و انتقالات نظامی ما را با اطلاع سازمان جاسوسی سیا قرار میدادند" (لا بد منظور میسراندند بیده است. راه توده) چنین پاسخ میداد: "این اتهام تا کنون تأیید نشده است ولی امکان دارد در اسناد و مدارکی که از خانه های دستگیر شدگان بدست آمده است به چنین موردی نیز برخورد شود". راستش ما "بچنین موردی" از پستی و ذلت در امر روزنامه نگاری نخستین بار است که برخورد میکنیم. البته وقتی ریش و قمیجی در دست دشمنان انقلاب و توده های زحمتکش خلق باشد، جعل اینگونه "مدارک" و انتساب آن به یارداشت شدگان کار دشواری نیست. مگر انبوهی از این مدارک جعلی ساواک ساخته را طی این چند

سال جمع آوری نکرده و آنها را دستاویز هجوم کنونی به حزب توده ایران ننموده اند؟ خود آقای پاسخگو سیاه روی سفید مینویسد: "این عده تماماً در تهران و در چند خانه دستگیر گردیدند. دستگیری آنها نیز بدنیال دریافت گزارشات مستند و پس از مطالعه دقیق و تحقیق کافی در باره این گزارشات صورت گرفته است". پس در این "گزارشات مستندی" که بنا بر گفته راد یوهای لندن و اسرائیل، آنها را "اینتلجنس سرویس" در اختیار مقامات امنیتی جمهوری اسلامی ایران گذاشته، چیزی در مورد "اثبات" جاسوسی برای "سیا" را لازم ندیده اند در میان آنها بگنجانند. ولی اینک که متوجه شده اند "دلایلشان" کافی نیست، دبه - د را آوردن هستند.

ما سابقاً هم نوشته بودیم که میان "نویسنده" این ستون در روزنامه جمهوری اسلامی و "منابع خبری امپریالیستی" پیوند "فکری" ویژه ای وجود دارد. حال که "نویسنده" خود را در مسئله دستگیریهایی "مطلع" نشان میدهد و "جزئیات" رافاش میکند، میتوان برپویند نزدیک او با طراحان توطئه نیز شهادت داد.

این "عده" که "تماماً در تهران دستگیر شده اند" نه از فرماندهان لشکری و کشوری بودند، نه از اعضای شورای عالی دفاع و نه از محارم و نزدیکان رهبران درجه اول مملکتی که از اسرار مگو باخبر باشند. آنان در نزدیکی های جبهه جنگ هم زندگی نمیکردند که از "نیروهای ما و حرکات و نقل و انتقالات نظامی ما" مطلع باشند و آنها را "باطلاع سازمان جاسوسی سیا" رسانده باشند. اگر چنین اسرار واقعاً در اختیار "سی-آی-ای" گذاشته شده و آقای "نویسنده" حقیقتاً مایل است ارسال کنندگان آنها را کشف کند، منطقی تر اینست که چشمانش را بهتر باز کند و به اطراف خود بینگرد. چنین جاسوسانی فقط در میان کسانی میتواند باشند که به استگوه اسرار محرمانه دسترسی دارند و خود را بعنوان "مسلمان دست و آتش" در تمام نهادها و از جمله هیئت تحریریه روزنامه جمهوری اسلامی جازده اند.

ظاهراً چون اتهام اولیه یعنی جاسوسی برای "کامکب" علیرغم دامن زدن مصنوعی به جو شوری ستیزی و فریادهای گوشخراش "مرکز برشوری" باین علت که مردم میدانند اتحاد شوروی دست واقعی ایران و پشتیبان انقلاب مردمی و ضد امپریالیستی بهمن است نمیتواند دلیل قانع کننده برای قتل عام "جاسوسان" باشد، تصمیم گرفته اند "مدارک" لازم برای "اثبات جاسوسی برای سیا" را هم بعنوان "اسناد و مدارکی که از خانه های دستگیر شدگان بدست آمده است" قاطی "مدارک" به ارت - مانده از ساواک شاه و رسیده از لندن کنند تا دست و بالشان برای یک انتقام خوین از کسانی که موی دماغ "سرمایه داران صالح" و "مالکان مستضعف" شده اند بازتر باشند.

هشدار باش اتحاد شوروی

اسرائیل باید به بازی با آتش خاتمه دهد

بقیه از صفحه ۱

را به تصرف خود در می آورد و همه میدانند که واشنگتن این شمشیر را به دست وی داده است. توافق استراتژیک میان واشنگتن و تل آویو قربانیان بیشمار و آلام فراوانی برای خلقهای غرب بهمراه آورده است. در بیانیه همچنین آمده است که "برنامه عمل در حال تدارک و انجام است که تسلط مشترک نظامی و سیاسی آمریکا و اسرائیل بر تمام منطقه خاور نزدیک را تأمین کند. هیچ وجه تصادفی نیست که تمام خطوط نشانهای نظامی گرایانه ضد شوروی در اسرائیل همزمان با افزایش کنکهای سیاسی نظامی و مالی آمریکا به این کشور انجام میگردد. هیچکس نباید در مقابل برنامه های جنایتکارانه اسرائیل علیه شوروی بی اعتنا بماند. باید اینس برنامه ها را با شکست روبه رو ساخت. خلق سوریه تنها نیست. تمام میهن پرستان عسری کشورهای سوسیالیستی و همه کسانی که صلح عدالت و شرف امر قلبی آنانست در کنار آن قرار دارند. زمان آن فرا رسیده است که اسرائیل به بازی با آتش خاتمه دهد. اتحاد شوروی بار دیگر تاکتیک میبکند که حقوق حقه و منافع تمام خلقهای خاور نزدیک را از طریق تهدید مسلحانه و یا جنگ

بلکه از طریق تلاشهای سیاسی تا مظهرهای ذینفع از طریق تنظیم عادلانه همه جانبه اختلافات تقابلی میشود.

اعلامیه کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه

کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه اخیراً با صدور اعلامیه ای نسبت به خطراتی که از جانب آمریکا و اسرائیل سوریه را تهدید می کند هشدار داده و نوشته است: "جراغ سبز برای تهدیدات اخیر اسرائیل، اعتراض وزارت امور خارجه آمریکا به تهیه موشک های مدرن زمین به هوا از سوی سوریه بود. این موشک ها به منظور تقویت دفاع سوریه از دویستان شوروی خریداری شده بود. اعلامیه سپس به جعلیات امپریالیستی در مورد باصطلاح "خطر" که اسرائیل و ناوگان ششم آمریکا را از جانب سوریه تهدید می کند اشاره کرده و می نویسد: "این لجن پراکنی ها همزمان با تدارکات

نظامی از قبیل تمرکز قوای اسرائیل در دره بقاع و تمرین حمله به خاک سوریه انجام گرفت و نشان داد که گذار از تدارک به حمله نزدیک است.

اعلامیه ضمن اشاره به اینکه این همسواره اسرائیل بوده است که بازیر پا گذاشتن تصمیمات مجامع بین المللی کشورهای منطقه را مورد تهدید و حمله قرار داده است، متذکر می گردد که این خطر با اعلام اتحاد استراتژیک آمریکا و اسرائیل بیشتر شده است. سپس تصریح شده است که هدف از ضربه نظامی در حال تدارک به سوریه، مجبور کردن این کشور به عوض کردن سیاست سیاست میهنی و مردمی خود است. در این رابطه گفته می شود:

"بعد از شکست مترجمین و ضربه به بائسد اخوان المسلمین، اکنون تنها یک راه برای اهداف (امپریالیستی) باقی مانده است و تهاجم مستقیم و علنی به سوریه".
اهداف امپریالیسم و صهیونیسم در منصفه بدین شرح برشمرده شده است:
- به فراموشی سپردن مسأله فلسطین و تبدیل لبنان به تحت الحمایه آمریکا و اسرائیل
- تقویت ارتجاع عرب و گرایش های تسلیم طلبانه رژیم صبر و رژیمهای مشابه آن
- ضربه زدن به دوستی اعراب و اتحاد شوروی و جدا کردن اعراب از وفادارترین دوستانشان.
کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه سپس یاد آور می شود که آمریکا می خواهد منطقه خسار نزدیک و میانه راه پایگاهی برای سیاست تهاجمی خود علیه آسیا، آفریقا و اتحاد شوروی تبدیل کند.

این اعلامیه سپس به عزم مردم سوریه به مقاومت در مقابل این نقشه امپریالیستی اشاره می کند و نقش دوستان قدرتمند سوریه، و در درجه اول اتحاد شوروی را، مورد تأکید قرار می دهد و می نویسد:

"این حق مسلم سوریه است که از هم اکنون تمام اقدامات به منظور تدارک دفاع از خود را انجام دهد. این امر منطبق بر منشور ملل متحد و تعامی قرارداد های بین المللی و در خدمت صلح جهانی است. سپس تأکید شده که همه نیروها آزادی، ترقی و صلح به کمک هم خواهند توانست تهاجم امپریالیستی را درهم شکنند.

در پایان، اعلامیه به نقش احزاب کمونیستی و کارگری در حمایت از سوریه اشاره کرده و آمده است:
"کمیته مرکزی حزب کمونیست سوریه بر این اعتقاد است که احزاب برادر راهها و وسایلی حمایت از سوریه در مقابل این تهاجم آمریکایی-اسرائیلی را خواهند یافت. بی شک این حمایت فعالانه جزئی جدایی ناپذیر از نبرد مشترک برای صلح جهانی است."

قطع رابطه نهایی با آمریکا خلع ید از بزرگ مالکی و کلان سرمایه داری است

امروز ۱۹ فروردین - سه سال است که ایران انقلابی با امپریالیسم غارتگر یانکی رابطه سیاسی ندارد و سه سال است که خلق دلاور ایران درگیر نبرد برای ریشه کن ساختن نفوذ امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم غارتگر آمریکا در میهن انقلابیما می باشد.
قطع رابطه سیاسی امپریالیسم یانکی با ایران انقلابی در واقع عکس العمل شکست توطئه های پیاپی آمریکا و یاران آن در ایران بود. وقتی با تسخیر جاسوسخانه آمریکا، هم مرکز توطئه یانکی ها در ایران به دست خلق فتوح شد و هم دولت موقت سقوط کرد، وقتی سازش کاران در تحویل گرفتن "کروگان" های جاسوس شکست خوردند و فرمان امام خمینی نقشه آنها را نقش بر آب کرد، وقتی امام خمینی نامه خنده آمیز کارتر را فاش کردند و گفتند: "همه توان خود را صرف قطع امید دشمن اصلی ما، آمریکا کنید"، بعد از همه این شکستها، روز ۱۹ فروردین ۱۳۵۹ رابطه سیاسی ایران و آمریکا قطع شد. این قطع رابطه، که سازشکاران از آن به هراس افتاده بودند، به دنبال پیام

مرگ بر امپریالیسم جهانخواار آمریکا، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بازداشت رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و گروهی دیگر از رهبران و کادرهای حزب توده ایران، یک حادثه کوچک و منفرد و تنها مربوط به حزب ما نیست، این حادثه مربوط به کل انقلاب است، نشانه‌ای است از وجود بحران در انقلاب و تشدید نبرد انقلاب و ضد انقلاب در مرحله نون.

در این باره دیگر هیچ عاقلی تردید ندارد که "مجموعه" رهبران حزب توده ایران همان نبرد آشتی ناپذیرشان با امپریالیسم و حمایت‌پسندی خدشه‌آلود آن‌ها از حقوق زحمتکشان و تلاش پیگیرشان برای انجام تحول بنیادی در جامعه ایران به سود زحمتکشان است، حتی دشمنان حزب توده ایران - اگر کمترین احترامی برای دوری خود قائل باشند - شرم دارند که اتهام "سیا" و "موساد" ساخته را علیه رهبران حزب ما تکرار کنند و آثانی هم که به خاطر بازی‌های سیاسی و به امید این که "هدف وسیله را توجیه می‌کند" این گونه روش‌های زشت و ناپسند را در مبارزه سیاسی می‌پذیرند، بدون تردید وجدان ناآرامی دارند.

چنین است قضاوت دست و دشمن و چنین است قضاوت وسیع‌ترین قشرهای توده مردم ما. در این مورد افراد سلطنت‌مبارازی را می‌بینیم که گویی خود را گناهکار می‌شمارند و از شرم نتوان سر بلند کردن ندارند.

با وجود این قضاوت روشن که در افکار عمومی هست، بسیاری پرسش‌ها در جامعه موج می‌زند: عاقبت این کارها به کجا خواهد کشید؟ این‌ها که متحدین و مدافعین خود را با این شیوه‌های شرم‌آور زیر فشار می‌گذارند، چه پلایی بر سر توده مردم خواهند آورد؟ کسار عصبیت و انحصارگرایی و طرد دیگران (که منافق قانون اساسی جمهوری اسلامی است) به کجا خواهد کشید؟ آیا واقعا اگر از این وضع جلوگیری نشود حکومت تقشیر عقاید قرون وسطایی و نارواترین اشکال تهمت زنی در کشور ما حاکم نخواهد شد؟

این پرسش‌های توأم با نگرانی عمیق در یک پرسش کلی‌تر خلاصه می‌شود و آن این است: سرنوشت انقلاب ما چه خواهد شد؟ آیا این انقلاب شکوهمند، انقلابی که از نظر وسعت شرکت میلیونی توده‌های مردم زحمتکش، از نظر شدت شور و شوق توده‌ها و ابتکار بی‌کران آن‌ها در تاریخ کم نظیر است واقعا دارد از درون می‌پوسد و منسوخ می‌شود؟

در پاسخ به این پرسش‌ها قبل از هر چیز باید بگوییم که نگرانی در باره سرنوشت انقلاب و آینده جامعه ما نگرانی به جایی است. رفیق کیانوری در یکی از آخرین نوشته‌های خود تأکید کرده است که هیچ انقلابی از شکست همون نیست و پیروزی آسان تأمین نمی‌شود. اگر انقلاب کردن کار دشواری است، حفظ دست‌آورد‌های آن و بسط این دست‌آورد‌ها کار دشوارتری است. در باره انقلاب ایران نیز باید دانست

که با وجود پیروزی‌های بزرگی که تا کنون داشته، پیروزی نهایی آن خود به خود تضمین نشده نیست و هیچ حزب و یا سازمان پیگیر انقلابی نمی‌تواند و نباید خوش‌خیال و آسوده خاطر باشد.

در ماه‌های اخیر کلان سرمایه‌داران و بزرگان مالکان متحد امپریالیسم و عناصر نفوذی و جاهل و قشری - که عملا صف متحدی دارند - موفقیت‌ها قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند. اقدامات اصلاحی اجتماعی کوچکی هم که می‌توانست وضیعت بسیار توده‌های محروم را تا حدی تعدیل کند، تقسیم مانده و این خطر کاملا محسوس است کم‌نیروهای راست‌گرا هجوم خود را به قصد کسب قدرت بلامنابع سیاسی ادامه دهند و مواضع تازه‌ای را در حاکمیت به دست آورند و خود را به هدف نهایی خود هرچه بیشتر نزدیک سازند.

اوج مرحله اول عملیات امپریالیسم و معالشی، بازداشت رهبران حزب ما بود. عمل امپریالیسم قطعاً می‌کوشند این عطیات را ادامه دهند و مراحل بعدی را از پی بیاورند. این خطرات را باید درک کرد و برای مقابله با آن همه نیروها را تجهیز نمود.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چسرا انقلاب ایران دچار چنین بحرانی شده و راه برون رفت از آن کدام است؟ ما در زیر می‌کوشیم به این پرسش پاسخ دهیم.

مرحله حساس در انقلاب‌های ملی و دمکراتیک

قبل از هر چیز باید توجه داشت که آن چه در انقلاب ما پیش آمده، امری صرفاً ایرانی و بی‌ویژه انقلاب کنونی ما نیست، همه انقلاب‌های ملی و دمکراتیک به چنین مرحله حساس و بحرانی می‌رسند و بسته به این که مسائل این مرحله را چگونه حل کنند سرنوشت خود را رقم می‌زنند: پیسروزی یا شکست.

انقلاب‌های ملی و دمکراتیک از اجزاء و عناصر گوناگون تشکیل می‌شوند که سرانجام در دو عنصر اصلی ملی (یعنی ضد امپریالیستی) و دمکراتیک (به معنی مردمی) خلاصه می‌شود. این دو جانب انقلاب به هم پیوسته و در نهایت امر از هم گسست ناپذیرند. به ویژه در زمان ما اقتصاد جهان سرمایه‌داری چنان یکپارچه شده و سرنوشت آن در کشورهای مختلف با سرمایه - داری انحصاری امپریالیستی چنان جوش‌خورده است که اگر پس از انقلاب مواضع مالکان سرمایه - داران بزرگ حفظ شود و تدابیر اجتماعی - اقتصادی بنیادی به سود توده‌های مستم‌کش و ایجاد نظم نوین اقتصادی در جامعه اتخاذ نشود، بازگشت امپریالیسم اجتناب ناپذیر است. این را تجربیات جهانی در بسیاری نقاط به ثبوت رسانده است.

انقلاب ایران متأسفانه طی چهار سال گذشته نتوانست به این جانب از وظایف اصلی خیسود

بپردازد. ضرباتی که به بخش‌های سرمایه‌داران وارد آمد، در نیمه راه متوقف ماند، در عوض سرمایه‌داری تجاری با سرعت باور نکردنی مواضع خود را تقویت کرد و در هر شش ماه به اندازه سال‌ها سود برد و در عین حال یک‌آن از توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران بازنیاستاد. و آن چه مربوط به توده مردم است، اینسان انقلاب را به پیروزی رسانده در این چهار سال از انقلاب صادقانه و ابتکارگرانه دفاع کردند ولی در مقابل مزایای قابل‌ذکری به دست نیاموردند. طبیعی است که این وضع نمی‌توانست ادامه داشته باشد. سرانجام می‌بایست و می‌باید راه رشد آینده کشور را تعیین کرد: سرمایه‌داری افسارگسیخته وابسته به امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و یا نظام اقتصادی مردم‌پس و تأمین‌کننده استقلال اقتصادی کشور؟

انقلاب ایران با نیروی پرتوان مردمی کسسه دارد، می‌توانست این مرحله را پشت سر گذارد و دچار بحرانی - از نوع بحران کنونی - نشود. ولی چند عامل جلوی نیروی مردم را سد می‌کند، میدان را به سرمایه‌داران بزرگ و مالکان غاصب می‌دهد و در نتیجه بحران می‌آفریند. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

- ۱- توطئه‌های تفرقه‌افکنانه و خرابکارانه امپریالیسم
- ۲- تعادل شکنندگی بین نیروهای مردمی و ضد مردمی در درون حاکمیت
- ۳- جنگ فرسایشی عراق علیه ایران.

توطئه‌های تفرقه‌افکنانه و خرابکارانه امپریالیسم

مهم‌ترین عامل دشواری‌هایی که انقلاب ایران با آن روبروست، حاصل توطئه‌های مداوم امپریالیسم و قبل از همه امپریالیسم آمریکاست. در گذشته ما شاهد توطئه‌های مکرر کودتایی و دخالت مستقیم و مسلحانه آمریکا در امر جمهوری اسلامی ایران بودیم. این توطئه‌ها با شکست مواجه شد اما امپریالیسم نه تنها دست از توطئه برنداشت بلکه از شکست‌ها درس گرفت، تقاطق قوت و ضعف جمهوری اسلامی ایران را بهتر شناخت و متحدین تازه‌ای برای خود در داخل ایران پیدا کرد. پس از روی کار آمدن ریگان، امپریالیسم آمریکا به دنبال سیاست قبلی خود در منطقه خاور میانه و در مورد انقلاب مبین ما با شدت بیشتری دست به تعرض آشکار و نهان زد و برای این کار نقشه‌های دور و درازی طراحی نمود و به معرض اجراء گذاشت.

امپریالیسم آمریکا ایران را می‌خواهد نه کم و نه بیش و برای براندازی جمهوری نهایی ما و به شکست کشاندن انقلاب، از دخالت آشکار و مستقیم نظامی هم ابا تدارک و منتظر فرصت و امکان است. البته تناسب قوای جهانی و پشتیبانی اتحاد شوروی از جمهوری اسلامی ایران، امپریالیسم را به تامل و می‌دارد. ولی از هسندف بقیه در صفحه ۹

بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بقیه از صفحه ۸

منصرف نمی‌کند. به ویژه از زمانی که گروه درندگ ریگان به کاخ سفید آمده چنان که گفتیم تدارک نظامی برای دخالت در امور ایران که از زمان کارتر آغاز شده بود با شدت بیشتری ادامه یافته و اینک آمریکا نیروی عظیمی را در خلیج فارس و پیرامون ایران به نام "فرماندهی مرکزی" مستقر و متمرکز کرده است.

آمریکا با آماده شدن برای تجاوز نظامی به ایران، از محیط متشنجی که در پیرامون ایران از طریق تهدید آشکار به تجاوز پدید می‌آید، به عنوان عاملی برای ایجاد شرایط دخالت غیر مستقیم نظامی (از راه کشورهای ترکیه، پاکستان، برخی کشورهای عربی دست نزناده) و هم چنین تسریع تکون صف آرای نیروهای ضد انقلاب داخلی بهره می‌گیرد. در زیر پوشش جنگ روانی که آمریکا به راه انداخته، دشمنان انقلاب در درون جامعه قوی‌تر می‌شوند، جسو شانناژ ضد رژیم بالا می‌گیرد و عوامل امپریالیسم با استفاده از عوام فریبی‌های به ظاهر مذهبی و تأثیر پذیری نیروهای مدلمان مبارز راحت‌تر می‌توانند آن‌ها را به عقب بنشانند و خود در ارگان‌های حکومتی بالاتر روند.

امپریالیست‌های آمریکایی با درس گرفتن از شکست توطئه‌های قبلی دریافتند که تا وقتی مردم ایران متحد و به انقلاب امیدوارند، تا وقتی ایران در دستان پرده پاقهری در صحنه جهانی دارد، هجوم به انقلاب و براندازی جمهوری مقدور نیست، اینست که به خراب کاری هر حوصله و حساب شده‌ای پرداختند و در صدد برآمدند که از تضاد های داخلی و نیروهای مستعد داخلی برای رسیدن به مقصود ماهرانه استفاده کنند و به دست عوامل نفوذی و عناصر ناآگاه قشری و عوامل تروریست خود جو مسموم و متشنجی در کشور ایجاد نمایند، به طوری که مردم نتوانند خود را - حتی در دفاع از جمهوری - راحت احساس کنند. امپریالیست‌ها محیطی ایجاد کردند که تنها به سود خرابکاران و ناراضی‌تراشا باشد. شانناژ ضد کمونیستی را به حدی رساندند که عوامل نفوذی آمریکا در چنان جوی خیلی راحت انقلابی شمرده شوند و به آسانی بتوانند تمام دستان خارجی ایران را برنجانند ویر آن افتخار کنند و هر کس را که سرسوزنی عقل زمامداری و دلسوزی نسبت به انقلاب دارد، "شرقی" و "کمونیست" قلمداد کنند.

کار تدریجی و طولانی امپریالیست‌ها و عمل "سیا"، "موساد" و "انتلیجنت سرویس" اینک دارد به محصل می‌نشیند. جمهوری اسلامی متاسفانه در وضعی قرار گرفته است که خود دارد به دست خویش پل‌های دوستی را می‌شکند و محیط سوزن دلخواه برزینسکی را به وجود می‌آورد.

برزینسکی به وزارت خارجه آمریکا دستور داده بود که:

"لازم است جو سوپن و عدم اعتمادی را که بین ایران و همسایگانش وجود دارد منسوخ و بیهوده‌ری قرار داد."

رئیس جمهور (کارتر و فعلاریگان) معتقد است که پایان حمایت سیاسی از جمهوری اسلامی خمینی، خصوصاً توسط اتحاد شوروی حتماً بسبب تضعیف مواضع سیاست خارجی رژیم خمینی منجر خواهد شد.

برزینسکی تأکید می‌کند که در این مورد باید: "هم آهنگی وزارت دفاع آمریکا، "سیا" و هم چنین سایر ادارات و موسسات تأمین شود و به نظراتی که شاه در مشورت‌های اخیرش داد ما مستوجه شود."

و حالا هم آهنگی وزارت دفاع و "سیا" و همه ادارات آمریکایی به نتایجی رسید، و کار بجایی رسیده که تمام تلاش‌های اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی برای برقراری روابط مستقیم و برابری حقوق با ایران یا واکنش دور از نزاکتی عقیم گذشته می‌شود، ولی از سوی دیگر جمهوری اسلامی تمام توهین‌های کشورهای امپریالیستی را تحمل می‌کند و اعتراضات با اعمال خشونت بار و ترفند های براندازی آن‌ها از حیطه شعارها که آن هم محدودتر می‌شود، تجاوز نمی‌کند و با آشتی جویی‌ها پشت پرده جبران می‌شود، و در عین حال برای حفظ "تعادل" در برابر هر اعتراض کوچکی به ضد جنایت بزرگ امپریالیسم، الزاماً شعارهای خشن در پاسخ محبت‌های کشورهای سوسیالیستی، در روزنامه‌ها و سخنرانی‌ها نقش می‌بندد.

عین همین وضع در مناسبات نیروهای داخلی نیز برقرار شده و خط برزینسکی بطور خزنده هم چنان پیش‌رفته است، تاجایی که امروز دبیر اول و رهبران حزب ما که مدت چهار سال مداوم بنا قاطعیت از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران حمایت کرده و در شکست توطئه‌های امپریالیستی نقش موثری داشتند، کسانی که ۲۵ سال در زندان استبدادی شاه پایداری کردند، باز داشت می‌شوند و با روشی خلاف هرگونه اصول اخلاقی (حقوق قانونی که جای خود دارد) حتی به "جاسوسی" متهم می‌شوند! ولی هواداران و متحدین علنی آمریکا، کسانی که اسناد رابطه خرابکارانه آن‌ها با سفارت آمریکا منتشر شده، مورد استتعال قرار می‌گیرند.

موفقیت نسبی توطئه‌های آمریکا و خط برزینسکی و تأثیر آن‌ها در تفرقه نیروهای انقلابی و تقویت نیروهای ضد انقلابی - چنان که گفتیم - مهم‌ترین عامل بحران انقلاب است. بر اثر این موفقیت چنان جوی به وجود آمده است که نیروهای انقلابی و هواداران صدیق راه امام اعتماد و قاطعیت سابق خود را برای پیشبرد انقلاب تا حدودی از دست دادند - و امید که در آینده این نیرو را بازیابند.

دلیل موفقیت نسبی خط برزینسکی را قبل از هر چیز باید در پایه اقتصادی آن در داخل کشور، یعنی وجود بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران جستجو کرد.

در برنامه حزب توده ایران - صوب فروردین ۱۳۶۰ - در این باره گفته می‌شود: "سرمایه داران و بزرگ مالکان هنوز حیاتی‌ترین

شریان‌های زندگی اقتصادی مردم میهن ما را در چنگ خود دارند و زالو وار خون ده‌ها میلیون زحمتکش غارت شده را می‌مکند. همین وضع مشا بزرگ‌ترین تهدید برای انقلاب است."

امپریالیسم با استفاده از مجموعه شرایط جلو تحول بنیادی اقتصادی را گرفت و از این اهرم برای نفوذ در تمام دستگاه حکومتی و فلج کردن آن استفاده کرد. درست است که در ماه‌های اول پس از پیروزی انقلاب ضرباتی به سرمایه داران درباری و وابسته به امپریالیسم وارد آمد و این خود سبب از هم گسیختگی برخی رشته‌ها

ارتباطی آن‌ها گشت، ولی امپریالیست‌ها وسه ویژه امپریالیسم آمریکا یا به دست آوردن متحدین جدید از میان بازاریان بزرگ، رشته‌های گسیخته را ترمیم کردند. موفقیت نسبی توطئه اخیر آمریکا همانا در پیدا شدن این متحدین جدید است.

سرمایه داران بزرگ بازار و نمایندگان آنها، در زمان شاه در سایه سرمایه داران بزرگ مالی - صنعتی و وابسته به انحصارات امپریالیستی، قرار داشتند و کمتر به حساب می‌آمدند. پس از پیروزی انقلاب بازار مقام خود را برای بهره‌مکنشی و عارت تحکیم کرد و توانست امر بازرگانی داخلی و خارجی را پیش از گذشته در دست خود متمرکز کند و از این راه ارتباط های نزدیک تراقصادی و سیاسی با کشورهای امپریالیستی برقرار نماید.

در این چند سال دانشگاه‌های ایران بسته بود و بهترین دانشجویان خط امام در جیب‌ها شهید می‌شدند (و حتی عده‌ای از آنها معدا به شهادت داده شده‌اند) ولی آن دست‌ها ز دانشجویان بسیار بسیار "عزیز" خارج از کشور (یعنی آمریکا و آلمان و انگلستان) که بطور عده فرزندان همین بازاریان به بهانه اینکه اعضاء انجمن‌های باصلاح اسلامی هستند، مورد هزار نوع محبت و استعالت واقع شده و تحصیل کرده و نکرده با ریش و تسبیح آمدند - و اگر فارغ التحصیل بودند از گوشه حجره‌های بازار بیرون شدند - و دستگاه دولتی را پسر کردند.

در آغاز انقلاب، سرمایه داران بازار، با غرض‌های ویژه خود دنبال انقلاب می‌آمدند و با رژیم شاه و امپریالیسم آمریکا سر سنگین بودند، و برخی سازمان‌های سیاسی نزدیک به بازار و سرمایه داخلی نظیر "نهضت آزادی" حالت قهر و آشتی داشتند. اما پس از انقلاب خود طرف معاطله سیاسی و اقتصادی واقع شدند و دیگر نیازی به ادامه انقلاب ندیدند و "سه سه باره بار" غلط کردند که انقلاب کردند. لذا برای جبران گناه، در برابر انقلاب ایستادند و به تناسب رشد جنبش مردمی و طرح ضرورت تحول بنیادی اجتماعی بر شدت مخالفت آنسان با انقلاب افزوده شد. نه فقط "نهضت آزادی" و محافل لیبرال که برخی از سازمانها و عناصر قشری وابسته به بازار هم که در زمان شاه تند روی‌هایی داشته و چند صباحی در زندان بودند؛ حالا دیگر مردان سیاسی شده و خود پیوند‌هایی با خارج برقرار کرده‌اند و اگر در بروز برخی حرف‌های ضد آمریکایی می‌زدند، امروز مدافع ضد انقلاب و هوادار آمریکا هستند.

بقیه در صفحه ۱۰

بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بقیه از صفحه ۹

ویژگی نیروهای متحد امپریالیست در شرایط خاص کشور ما اینست که بدلائل خاص تاریخی، آسان تر از نیروهای مردمی همدیگر را یافته و متشکل می‌شوند. در این جا دیگر سخن از میلیون‌ها انسان زمینکن و صادقی که رژیم پهلوی پنجاه سال آنها را کوبیده و سازمان‌هایشان را بر باد داده و حالا هر یک باید به تجربه همراه خود را پیدا کنند نیست. سخن از هزاران سرمایه‌دار، مالک بزرگ و چنین ارقامی از کارمندان عالی رتبه و روشنفکران و روحانی - نمایان خادم سرمایه و مالکیت‌های بزرگ است که همواره مورد توجه بودند این‌ها همدیگر

را می‌شناسند. و در نظام اقتصاد می‌موجود است - همه هم بسته و پیوسته‌اند بد هکار و بستن‌کنسار و مشتری و طرف معامله یکدیگرند. هدفشان هم دقیقاً روشن است؛ سرکوب نهضت مردمی، بسته دست گرفتن قدرت برای حفظ مالکیت‌های بزرگ فاصیانه و ادامه غارتگری سرمایه‌داری. اگر حتی اجازه تشکیل حزب و سازمان به حضرات داده نشود، آن‌ها در همان سازمان‌های اقتصادی موجود یعنی "اطاق‌های بازرگانی و صنایع"، "انجمن‌های مدیریت"، "اتحادیه‌های سرمایه‌داران" و به اصطلاح "تعاونی‌های سرمایه‌داری متشکل‌اند و همین سازمان‌ها - حزب آن‌هاست. (علاوه بر سازمان‌های سیاسی پنهانی نظیر فراماسیونری و روتاری‌ها و غیره که پس از انقلاب سرکوب شدند.)

در ایران وجود بازار بر امکان شکل سرمایه‌داری - به ویژه سرمایه‌داری تجاری سنتی که با مالکیت زمین هم بسته است - می‌افزاید. البته همه سرمایه‌داران بازار از نظر کمیت سرمایه یکسان نیستند و مخصوصاً صیت نظام درون بازار چنان است که سرمایه‌داران بزرگ معمولاً اختیار بازار را بدست دارند و می‌توانند به خاطر دفاع از سرمایه‌داری بازار را به حرکت آورند و در لحظات حساس اقتصاد کشور را فلاج کنند و احتمالاً بازار را ببندند و علاوه بر دشواری

اقتصادی، دشواری سیاسی پدید آورند. سازمان‌های پنهانی و نیمه پنهانی پلیسی سیاسی وابسته به "سیا" به تسریع تشکیل نیروهای ضد انقلاب داخلی و نفوذ آن‌ها در دستگاه دولتی کمک می‌کنند. سازمان‌های پلیسی نظیر ساواک و حجتیه که از سال‌ها پیش توسط "سیا" ساخته شده‌اند پس از انقلاب بازسازی شدند و اینک نیروی فعالی هستند که با استفاده از نقاط ضعف حاکمیت در سر تا پای دستگاه دولتی نفوذ کرده و به ویژه مواضع کلیدی را در برخی مقامات حساس امنیتی اشغال کرده‌اند.

و در گمراه کردن مسئولین و ایجاد سوءظن و نگرانی در میان مردم و در ترور (جسمانی یا سیاسی) رهبران مردمی جمهوری به طور موثری عمل می‌کنند. حزب ما مدت‌هاست که در این مسوا رد رنگ‌های خطر را به صدا در آورده و بارها و بارها از زبان دبیر اول خود و نیز در مطبوعات خویش هشدار داده بود. اسناد و مدارک متعددی حزب در این زمینه‌ها بهترین گواه بیداری سیاسی حزب در این مسایل است.

بازداشت رهبران حزب توده ایران راه‌همه باید در همین چارچوب درک کرد. امپریالیست‌ها با ایجاد جو سنگین سیاسی و با شانتاژ ضد



حساب امپریالیسم آمریکا اینست - و حساب غلطی هم نیست - که با فشار به حزب توده ایران و تشدید جو ضد کمونیستی می‌توان به همسایه انقلاب ایران ضربه زد و آن را برانداخت. همیشه و در همه جا کمونیست‌ها نخستین طعنه‌های ازدهی ارتجاع و امپریالیسم بود‌مانند همیشه و در همه جا کوشش برای نابود کردن یک انقلاب یا ضربه زدن به پیگیرترین مدافع آن آغاز شده است.

در لحظه کنونی امپریالیست آمریکا می‌کوشد که انقلاب را فلج کند، آزادی را از مردم سلب نماید، محیطی اعتدالی و سوءظن را دامنه زند، کاری کند که هیچ مسئله‌ای حل نشود و در عوض مأموران امنیتی در همه جا جورعب و وحشت ایجاد کنند تا این که جان مردم به لب برسد، از شدت عدم رضایت - به دنبال راه حل مشکلات خود دست به

دامنه ضد انقلاب شوند. (بلافاصله پس از انقلاب ایران مجله آمریکایی نیوزویک توصیه کرده بود که باید چنان هرج و مرجی به وجود آید که مردم کودتای یک ژنرال تازه را با سکوت و بی تفاوتی تلقی کنند.) هم اکنون در حالی که هرگام و عمل نیروهای مدافع خط امام به سد غیر قابل عبور مخالفت بر می‌خورد، همکاران امپریالیسم کلید "حیل" مسایل را نشان می‌دهند. تضاد فی نیست که مسئله روشنی مثل "قانون کار" این طور بسته دست انداز می‌افتد و هنوز که تکلیف فقهی آن هم معلوم نیست، قانون کار زمان شاه هم لغو می‌شود. روشن است که کسانی می‌خواهند مردم را عاصی کنند و به آن‌ها بقبولانند که یک راه بیشتر باقی نیست: تسلیم در برابر امپریالیسم، کردن نهادن به نظام غارتگر سرمایه‌داری وابسته، بازگشت به زمان شاه - ابتدا مشروطه بی-سلطنت و با تسبیح و سپس حکومت بی نقاب نوسکران امپریالیسم. یکی از راینژان امنیتی ریگان به وی توصیه کرد که وظیفه بلاواسطه، تقویت و تأمین سلطه جناح راست در حاکمیت جمهوری اسلامی است و سپس بعد از این عمل باید دید که کدام گام بعدی ضروری ممکن است.

کمونیستی، کار را به آن جا رسانند که مقامات جمهوری اسلامی قوانین این جمهوری و بده‌ها باریج خود را به مردم در باره آزادی عقیده زیر پا گذارند. مأموران ساواک و "سیا" کسدر مقامات مختلف و حساس جمهوری اسلامی ایران لانه کرد‌مانند در این مورد نقش خود را ایفا نمودند.

تناسب شکننده نیروها در حاکمیت

در پیدایش بحران انقلاب و برای پیشرفت این توطئه امپریالیستی تناسب شکننده نیروها

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دست...

در حاکمیت نیز نقش بسیار موثری دارد . در حال حاضر اگر نیروهای انقلاب و ضد انقلاب را در مجموع خود بسنجیم و چند عرصه جهانی و چه در عرصه داخلی همه نیروها را در نظر بگیریم ، انقلاب ایران از توان عظیمی برخوردار است و می تواند همه دشواری ها را زیر پا گذارد و با قدرت پیش رود و مسائل خود را حل کند .

اما در داخل حاکمیت وضع چنین نیست . در آن جا تعادل شکننده ای وجود دارد . مجلس به رحمت ممکن است قانون انقلابی به سود مردم تصویب کند و مجلس به اضافه شورای نگهبان (اگر از مردم و امام حساب نبرند) هرگز چنین قانونی را تصویب نخواهند کرد .

همین وضع در دستگاه اجرائی ، دولت و در قوه قضاییه هم چه بسا با شدتی بیشتر از مجلس وجود دارد . در نهاد های انقلابی نظیر جهاد سازندگی ، سپاه و هیئت های هفت نفری (سابق) نیروی مردمی بیشتر است ولی این نهاد ها تصمیم گیرنده نیستند .

وجود این تعادل شکننده در تناسب نیروهای درون حاکمیت ، به نیروهای راستگرا - که اینک بیش از پیش به صف امپریالیسم می پیوندند و اتحاد خود را با امپریالیسم محکمتر می کنند - امکان می دهد که در برابر هر اقدامی سنگ انداز کنند ، هر کاری را به بن بست بکشانند و به قبول معروف برای هر کاری "گریه رضائی کنند" و "جوب لای چرخ بگذارند" .

این تعادل شکننده چگونه پدید آمد؟ و چرا نیروهای مردمی پس از چهار سال نتوانستند اکثریت قاطع و پایداری در حاکمیت پیدا کنند ، اکثریتی که بتواند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را مراعات کند؟ چگونه شد که مخالفین قانون اساسی ، کسانی که حتی آشکارا علیه این قانون نظر می دهند در مقامات حساس جا گرفتند؟ این امر در درجه اول نتیجه توطئه های و تحریک های امپریالیسم است . اما علاوه بر آن دو عامل در این وضع موثر بوده که عبارتند از :

۱) جدا شدن آشکارتر قشر جدیدی از انقلاب و پیوستن آن ها به صفوف دشمن و (۲) ناپه گیری نیروهای پیرو خط امام و مصلحت بینی های معاشات آمیز آنها .

عامل اول همان است که در بحث پیشین ، در بررسی توطئه امپریالیسم و متحدین جدید آن گفتیم . تا وقتی مسائل راه رشد جامعه پس از انقلاب مطرح نبود ، یا به طور قطع مطرح نبود ، حتی قشر بالای سرمایه داری تجاری بازار و لنگ لنگ لنگان همراه انقلاب می آمد ، حضور وسیع و قاطع مردم در صحنه نیز آنها را به وحشت می انداخت و مجبور می کرد که همراه مردم باشند و چنین بود که آنان در مقابله با توطئه های قبلی امپریالیسم و از جمله در مقابله با توطئه بنی صدر همراه مردم آمدند و شاید هم به این موجود "از فرنگ آمده" که معلوم نیست چه می گوید اعتماد

نکردند . اما وقتی مسئله زمین ، مسئله مالک و مستاجر - مسئله آزادی های سیاسی برای دگر - اندیشان ، مسئله انجمن های صنفی - سندیکایی کارگران و قانون کار ، مسئله ملی کردن بازرگانی خارجی و نظایر این ها به میان می آید ، تعداد قابل ملاحظه ای از این سرمایه داران و نمایندگان آن ها که در توطئه بنی صدر مقابل او بودند نداشتند آشکارا در کنار توطئه گران قرار می گیرند .

به علاوه تاثیر مستقیم ترورهای جنایتکارانه را که عده ای از بهترین نیروهای مدافع مردم در حاکمیت جمهوری اسلامی را از میان برد ، باید در نظر گرفت . شخصیت های سیاسی - مذهبی برجستهای نظیر بهشتی ، باهنر ، محمد منتظری ، رجایی و بسیاری از دیگر یاران نزدیک اسام از صحنه خارج شدند و جای آن ها با کسانی پر شد که به امر انقلاب به حد پیشینیان شهید خود وفادار نیستند و چه بسا آن قدرت و آن روشن بینی را که آنان داشتند ندارند .

عامل دوم ناپه گیری ها و ضعف های خود نیروهای مردمی است که میدان را از دست آنان گرفته و به مخالفین می سپارد و امکان می دهد که "مار در آستین پرورده شود" . مادر گذشته بارها و بارها پیرامون این ضعف ها و نتایج زیان بار آن برای انقلاب صحبت کرد ایم . رفیق کیانوری تقریباً در هر بحث و صحبتی که پیرامون انقلاب داشته این مسئله را مطرح کرده است .

رفیق کیانوری در گزارش به پنجم هفتم کمیته مرکزی از بی آمدن های صنفی ناشی از "اشتباهات ، مطلق گرای ها ، قدرت طلبی ها ، انحصار طلبی ها و خود محوری ها در صفوف نیرو های انقلابی" سخن می گوید و ضمن تذکر این که بخش عمده این ها را نمی توان به حساب دشمنی آگاهانه با انقلاب گذاشت تاکید می کند که : ولی این نقایص "در عمل آب به آسیاب امپریالیسم و ضد انقلاب می ریزد" . رفیق کیانوری اضافه می کند :

"اقدامات آشوبگرانه ، تشنج انگیز ، تخریبی ، یعنی اعمال فشار و توسل به قهر برای تحمیل نظریات تنگ گروهی به دیگران جانشین برخورد خلاق انقلابی می شود . قشری گری در مقامات حاکمیت موجب اشتباهات ، زیاده روی ها و در پی آمد آن ها زیان های جبران ناپذیر در زمینه ساز دست دادن نیروهای سازنده انقلاب از یک سو و از دست دادن امکانات ، و قتهای گران بها در بسیاری از زمینه از سوی دیگر می شود" .

و همه این ها : "میدان را برای فعالیت دشمنان انقلاب و بهره گیری لیبرال های سازشکار و تسلیم طلبی به طور چشمگیری مساعد کرده است" . از زمانی که این حملات گفته شده و مورد تایید کمیته مرکزی حزب ما قرار گرفته درست دو سال می گذرد . در این دو سال بر اثر پیروزی مردم و شکستن چندین توطئه امپریالیستی ، امکانات و فرصت های طلایی تازه ای به دست

نیروهای مردمی حاکمیت افتاد که قدرت حاکمه را به طور کامل به دست گیرند و نیروهای را که متحد بالفعل یا بالقوه امپریالیسم اند از قدرت برانند . ولی از این فرصت استفاده نشد ، چسرا که با پیشرفت سریع انقلاب را نخواستند و بسا استعداد آن را نیافتند که همه نیروهای مدافع انقلاب را تجهیز کنند .

البته امروز ، در قیاس با آن چه که بلافاصله پس از انقلاب بود ، موضع نیروهای مدافع انقلاب حتی در حاکمیت قویتر است . روزگاری دولت موقت در دست لیبرال ها و ارتش در دست "تیمسارها"ی شاه بود و نهاد های انقلابی هنوز جایی نداشتند . زمانی دیگر ، رئیس جمهور بنی صدر و بسیاری از ارگان های اصلی دولتی در دست قرب گرایان آشکار بود . امروز وضع بهتر از آن روز است ، اما مسائلی که مطرح است ، به ویژه مسائل مربوط به تحول بنیادی اجتماعی مسائل به مراتب دشوارتری است و به تفیق قوای جدی نیاز دارد . در حال حاضر در ارگان های قانونی چنین تفیق قاطعی به سود نیروهای مردمی موجود نیست .

نقش تعیین کننده مردم و امام در تناسب نیروها

انقلاب شکوهمند مردم ایران ویژگی برجسته آن دارد که عبارت است از حضور میلیونی مردم در صحنه و پیوند مردم با امام . این ویژگی نیروی عظیم بنیان کنی به وجود می آورد که اگر به حرکت آید هر تناسبی را به هم می زند . همین نیرو است که در گذشته تمام توطئه های امپریالیسم را عقیم گذاشته و حتی زمانی که بخش عمده مقامات دولتی در دست تسلیم طلبان و سازشکاران بود انقلاب را پیش رانده و همین نیرو هم هست که امروز انقلاب را سرپا نگاه داشته است و همین نیرو است که می تواند انقلاب را از بحران و رکود خطرناک کنونی نجات بخشد .

البته امام خمینی ، به عنوان رهبر و بنیان گذار جمهوری اسلامی ایران طبق قانون اساسی یک مقام رسمی قانونی است ولی ما این مقام را در محاسبه حاکمیت نیارودیم چرا که نیروی واقعی امام در توده مردم است . دشمنان انقلاب آشکارا با امام دشمنی دارند ، هواداران گرایش راست در حاکمیت نیز می کوشند تا حد مقدور امام را کنار بزنند و نظر او را به حساب نیاروند و به تعارفات و تملقات سالوسانه بسنده کنند . دولت موقت زمینه چید که امام به قم برود و از سیاست دور باشد بنی صدر تلاش می کرد که اصولاً از امام نظرخواهی نکند و اگر هم مطلبی گفته شد ندید می گیرد ، در دو سال اخیر هم ما شاهد آنیم که نیروهای راست گرای مدافع مالکین و سرمایه داران تمام توصیه های امام را - در عین تظاهر به ارادت مندی و حتی عشق به امام - پشت گوش می اندازند و هر حرف و پیام او را به میل خود تعبیر و تفسیر کرده و اگر موافق میل خود نیافتند آهسته و ریزا کارانه کنار می گذارند .

از این جاست که ما امام را جزو نیروی مردم می آوریم و توجه به این نکته داریم که حرکت امام و مردم - مردم و امام ، حرکت واحدی است و این بقعه در صفحه ۱۲

من اصلی مردم ایران ، متحد شویم

بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بقیه از صفحه ۱۱
حرکت واحد و زنده سنگین غیر قابل قیاسی در تناسب نیروهای داخلی است.

نیروی توده مردم زحمتکش ایران ، از يك نفع جدی رنج می کشد و آن تفرقه سازمان نیافتگی است. نیروهای مردمی در احزاب و سازمان های دموکراتیک متشکل نیستند ، میلیون ها کارگر ایرانی هنوز هم امکان نیافتاده که دست کم در سازمان های صنفی - سندیکایی خود متشکل شوند و یک سازمان کشوری پدید آورند ، میلیون ها دهقان زحمتکش سازمان متشکل صنفی ندارند و هم چنین است وضع پیشه‌وران و کاسبکاران جزه و دیگر محرومان هوادار واقعی انقلاب.

کوشش مسلمانان واقعی و مردمی برای تشکیل در يك حزب انقلابی تا کنون حاصلی نداشته است. عوامل امپریالیسم و متحدین آن ها و عناصر مشکوک و خرابکار از همان آغاز با يك ریش و تسبیح و بایسک اثر مبتذل ضد کمونیستی - که در زمان شاه منتشر گردماند - خود را در احزاب اسلامی جا کرده و به مقامات حساس رسانده و توانسته اند احزابی نظیر حزب خلق مسلمان را آشکارا به آمریکا بیاورند و در برخی دیگر چون "حزب جمهوری اسلامی" مواضع مهمی را اشغال کنند به طوری که پس از شهادت بهشتی و باهنر، توانستند حزب را به سوی راست بکشانند.

در این میان فقط حزب توده ایران - و سپس سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - بود که به این ضعف مهم نیروهای مردمی و انقلابی توجه کرد و به دور از تنگ نظری و انحصارطلبی هر چه در قوه داشت کوشید که توده مردم را متشکل کند ، تفرقه میان خلق را از میان بردارد و جنبه متشکل از همه نیروهای مردمی پدید آورد.

روش و تحلیل حزب ما از انقلاب ایران از همان آغاز نه تنها در ایران ، بلکه در سراسر جنبه وسیع ضد امپریالیستی جهان مورد تأیید قرار گرفت. حزب بر پایه سیاست اتحاد و انتقاد در کلیه موارد صادقانه نظر ها و هشدارهای به موقع خود را در میان گذاشت.

این تلاش حزب ما البته بی ثمر نماند. کارگران و زحمتکشان به اهمیت تشکیل بی بردند و بدون تردید در آینده در این جهت با قاطعیت بیشتری عمل خواهند کرد. به مسلاوه حزب توانست بسیاری از دشواری ها را از سر راه جنبش کارگری بردارد و تا حدی خرابکاری چندین ساله عمال امپریالیسم و خدغه ساواک در درون جنبش فایز آید.

این ها همه پیروزی های مهمی است ، ولی متأسفانه تنگ نظری و خود محوری و ترس نیروهای بینابینی هنوز مانع بزرگی بر سر راه تشکیل توده ها و اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی مردمی است. در این جایك خلاء احساس می شود که از آن فقط دشمنان انقلاب و امپریالیسم آمریکا بهره می گیرند.

دشواری های لحظه

با توجه به توجیه مداوم امپریالیسم آمریکا و نیروهای متحد داخلی آن ، و با توجه به شکنندگی تناسب نیروهای درون حاکمیت و ارگان های

قانونی ، نتیجه نبرد دو طرف بیشتر از هر زمان دیگری به شرایط لحظه مربوط است. اگر شرایط طوری بود که نیروهای انقلابی آسان می توانستند مردم را به میدان آورند و در این باره تردید و دودلی روا نداشتند ، چه بسا انقلاب دچار بحران نمی بود. ولی وضع چنان است که نیروهای مردمی حاکمیت هنوز از آوردن قاطع مردم به صحنه امتناع دارند. آن ها در این امر موافقی می بینند که مهم ترین این موانع عبارتند از :

۱- جنگ تجا و کارانه صدام علیه انقلاب ایران
این جنگ را چنان که می دانیم ، امپریالیسم آمریکا به راه انداخت و اینک که پیروزی سریع حکومت بعثی عراق مقدور نشده ، با تمام دسائیس می کوشد که جنگ را فرسایشی کرده و قوای انقلاب را در جبهه تحلیل برد تا در پشت جبهه قدرت را تصاحب کند.

در طول جنگ ، آمریکا بارها کوشید که با استفاده از درگیری نیروهای انقلابی در جبهه قدرت حاکمه را تصاحب کند. توطئه بنی صدر ، ترور شخصیت های برجسته انقلاب ، توطئه های کودتایی (از نوع توطئه گروه "نیما" و قطب زاده) بمب گذاری ها و ایجاد محیط تشنج غیر عادی در کشور ، حلقه های است از تلاش امپریالیسم برای براندازی انقلاب.

این تلاش ها با فداکاری و هشیاری توده ها و سازمان های انقلابی - از جمله حزب توده ایران - عقیم مانده و این امپریالیسم از توطئه باز نایستاده و در تلاش آن است که نیروهای مردمی را در جبهه های جنگ مهار کرده و هر چه بیشتر این نیروها را در این جبهه درگیر کرده و روستی آن را بگیرد تا بتوانند در جبهه داخلی قاطع و فعال باشند.

حزب ما ماه ها پیش این توطئه امپریالیستی را افشا کرد و هشدار داد. رفیق کیانوی در رهبرش و پاسخ آبان ماه خود یادآوری کرد که :
"آن چه ما احساس می کنیم این است که تلفای از طرف امپریالیسم آمریکا کار گذاشته شده است. امپریالیسم آمریکا با تمام قوا کوشش می کند که هم نقشه اصلی خود را ، که همه مسئولان و مقامات برجسته جمهوری اسلامی نیز به آن اعتراف دارند ، یعنی تحمیل يك جنگ فرسایشی ، عملی کند."

متأسفانه این گونه هشدارها که مورد اعتراف و توجه خود مقامات جمهوری اسلامی ایران نیز هست ، نتیجه واقعی به دست نداده و امپریالیسم لیست ها موفق شدند جنگ را فرسایشی کنند.

۲- ناروشنی شعارهای اجتماعی - اقتصادی از جهت گرایش مردمی.

دومین مانع بزرگی که در برابر گرایش مردمی وجود دارد و به قاطعیت آن لحظه می زند آن است که هنوز برنامه و مثنی روشن اجتماعی - اقتصادی ندارد. هم چنان در حال جستجو است و می کوشد که نه فقط در شکل پیاده کردن ، بلکه در اصول با قاره سومی پیدا کند. راهی پیدا کند که هرگز هیچ کس به آن پی نبرده و در هیچ کشور و جامعه ای هرگز نظیر آن هم وجود نداشته

است.
اشکال ویژه تکامل اقتصادی - اجتماعی تابع شرایط زمان و مکان ، تابع تناسب نیروهای طبقاتی ، درجه رشد اقتصادی و حتی سنن و فرهنگ جامعه است. از این جهت جستجو بسند نیست ، خوب است. اما وقتی کسانی از پیش تصمیم می گیرند و خود را ملزم می کنند که حتما کاری بکنند که غیر از دیگران باشند و اگر کار خوبی هم دیگران کرده اند ، آن کار را نفی کنند ، در آن صورت پیدا کردن راه حل دشوار و غیر عملی می شود و کار به بن بست می کشد.

البته مسائل اجتماعی که تا کنون در مجلس و دولت مطرح شده از چارچوب راه رشد سرمایه داری فراتر نمی رود. قوانینی هم که تدوین شده - چه آن ها که تصویب شده و چه آن ها که رد شده - از حدود قوانین معمول و گاه پیش پسا افتاد. کشورهای سرمایه داری خارج نبود ماست. قانون اصلاحات ارضی که با چنان شدت برد شد ، یکی از عادی ترین قوانین اصلاحات ارضی کشور های جهان سوم است که نظیر آن در ده ها کشور تدوین و اجرا شده و در آن هیچ چیز ویژه ای که به عقل کسی نرسیده باشد وجود ندارد. قانون مالک و مستأجر همان قانون زمان رضاشاهی است و تنها هنرش این است که چیزی بدتر از قانون زمان شاه است و پیش نویس قانون کار که به دلیل خصلت آشکار ضد کارگری و عقب افتادگی و حشمتاکنش "بدیع" و تازه "است" ، با این حال شباهتی به "راه سوم" و "ویژه" ندارد ، اساس آن همان قانون کار شاهنشاهی است.

واقعیت این است ، اما از يك سو نیروهای راست گرا حتی با قوانینی مثل قانون اصلاحات ارضی مخالفت می کنند و کمترین کنترل بر توزیع کالاها را "کمونیستی" می دانند (۱) تا انقلاب را به بن بست و شکست بکشانند و از سوی دیگر ، نیروهای گرایش مردمی حاکمیت متأسفانه به این نوع شائبه ها تن در می دهند. از ترس متهم شدن ، تمام تجربیات بشریت را نفی می کنند و در نتیجه ، در برابر مسائل بیخبر اجتماعی - اقتصادی بدون راه حل می مانند ، تا جایی که حتی پیش نویس قانون کار توکلی را نمی توانستند صریحا رد کرده ، پیشنهاد دیگری به جای آن بگذارند. چرا که نمی توان قانون کاری اختراع کرد که نظیرش در جهان نباشد.

در نبرد انقلابی برنده کسی است که راه نشان می دهد ، برای دردها درمان دارد. وسط راه ماندن و همه چیز را نفی کردن کسبه سیاست نیست.

این دشواری به ویژه از آن جهت بیشتر می شود و بحران انقلاب را تشدید می کند که همه راه حل های اجتماعی - اقتصادی انقلاب ایران باید با موازین فقه اسلامی تطبیق داده شود و این فقه طی هزار و چهارصد سال گذشته در جهت معینی رشد کرده و هنوز بسیاری مسائل نوین جامعه بشری ، همانطور که برخی از فقهایان ما متذکر شده اند ، در آن تکامل نیافته و باید در آینده تکمیل شود. توکلی با تعبیر خاصی که از اسلام دارد به آسانی می تواند از فقه اسلامی طریق اجازه دادن انسان را بیرون بکشد و در

بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بقیه از صفحه ۱۲

جامعه‌ای که قانون اساسی آن بهره کشی انسان از انسان را نفی کرده، باب "اجاره" را قانون کار بنامد اما طرف مقابل که می‌خواهد راه حل نشان دهد، هنوز دستش جایی بند نیست، همه مجبورند اعتراف کنند که در طرح آقای توکل با وجود محتوای وحشتناکی که دارد چیزی خلاف اسلام و شرع وجود ندارد. روحانی برجستهای نظیر آقای خامنه‌ای رئیس‌جمهوری اسلامی و امام جمعه تهران که قطعاً آشنا به مسائل اسلامی است وقتی پیامی به سمینار کارگری می‌دهد تنها توصیه‌ای که می‌تواند بکند این است که:

"در فقه اصیل اسلامی و در متون احکام اسلامی بگردید و این تسمین‌ها (یعنی تضمین دوران بازنشستگی و نقض عضو) را برای کارگران پیدا کنید"

و این بدان معنا است که حتی چنین مقام اسلامی هم هنوز راه حل مشخصی ارائه نمی‌کند و باید بروند و بگردند و پیدا کنند.

این دشواری فقط در مورد قانون کار و سیاست اصلاحات ارضی نیست، کسانی که تعبیر ویژه و یک جانبه‌ای از احکام اسلامی دارند در طول سالیان دراز همه مناسبات سرمایه‌داری، کتبی را در چارچوب منافع سرمایه‌داران - پذیرفته‌اند و تا کنون در تطبیق هیچ کدام از معاملات سرمایه‌داری معاصر - از بانک و بیمه و خرید و فروش‌های روی چک و سفته و حتی معاملات چند جانبه مشکوک گرفته تا مسائل مربوط به تولید در بزرگترین کارخانه‌ها با چند هزار کارگر - پافتنه‌های اسلامی مشکل ندیده‌اند، ولی در مورد نیاز - های انقلاب، مسائلی که تازه مطرح می‌شود، وضع چنین نیست، در این جا دشواری وجود دارد.

آیت الله جنتی، عضو فقهای شورای نگهبان در نماز جمعه قم می‌گوید که انقلاب مسائل تازه‌ای مطرح می‌کند و باید مطرح کند:

"اگر کسی انتظار داشته باشد که این حرکت انقلاب فقط نظامی و سیاسی باشد این انتظار بسیار خامی است، حکومت اسلامی خود به خود مشکلات پیدا می‌کند و باید برای این مشکلات بیندیشد و چاره‌جویی کند. حل بسیاری از این مشکلات از راه حل مسائل فقهی و عقیدتی خواهد بود. یک سری مسائل فقهی مطرح می‌شود و در بعضی مسائل گذشته لازم می‌شود تجدید نظر و مطالعه‌ای از نو بشود که این مسائل از قبیل نبوده و یا ضرورت نداشته که قسمتی از این مسائل اقتصادی است"

آیت الله جنتی با تأکید بر این که انقلاب را مردم مستضعف و محروم کرده‌اند، و این که دنیا تغییر کرده و مسائل نوین مطرح شده است می‌گوید:

"اگر بنا باشد ما یک چاره‌جویی برای فقهداریم و نتوانیم یک ملیتر تخطی کنیم اسلام پسه درد امروز نمی‌خورد، اسلام برای دیروز است"

دشواری این جا است که چنین چاره‌جویی هنوز وجود دارد و مسائل امروز هنوز در آن به درستی منعکس نشده است، عده‌ای آشکارا قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران را هم غیر شرعی می‌دانند و به آن "اشکال" می‌کنند ولی هتسوز پاسخ شایسته نمی‌یابند.

تنه راه برون رفت: حرکت وسیع مردمی

از آنچه گفتیم می‌توان نتیجه گرفت که انقلاب شکوهمند مردمی ما به نقطه حساسی رسیده است ضد انقلاب - که اینک متحدین تازه نفسی پیدا کرده - در به بن بست کشاندن و فلج کردن انقلاب موفقیتی نسبی به دست آورده و همسایه نیروی خود را به کار انداخته است که ایسین موفقیت را تثبیت کند و گسترش دهد. جناح‌های مختلف ضد انقلاب در خارج و داخل کشور، با وجود اختلاف نظرهایی که با هم دارند، در کار براندازی جمهوری اسلامی ایران هماهنگ‌اند. امپریالیسم آمریکا این هماهنگی را تأمین می‌کند. نیروهای ضد انقلاب و متحدین تازه نفس آن‌ها تا امروز این موفقیت را پیدا کرده‌اند که کارگان‌های دولتی و قانونی را در خدمت به مردم فلج کنند. مالکیت‌های بزرگ بی‌حد و حصر را کاملاً شرعی و مقدس اعلام دارند و مدعی شوند که "مالکیت مانند خون شهیدان مقدس است". آن‌ها موفق شده‌اند که برخی اقدامات کوچکی را هم که در چهار سال گذشته از سوی نهاد‌های انقلابی به سود مردم انجام گرفته پس بگیرند، که خود نوعی عقب‌گرد در کار انقلاب است.

روشن است که ضد انقلاب، به آن چه به دست آورده ببنده نمی‌کند و چنان که در اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده، تلاش خود را به کار می‌برد تا جای خرد را در حاکمیت محکم‌تر کند و گرایش مردمی را از حاکمیت براند. در دو ماه اخیر، که هجوم راست‌گرایان شدت بسی سابق‌های یافته بارها سخن از تغییر کابینه و تکفیر برجسته‌ترین نمایندگان گرایش‌های مردمی حاکمیت به میان آمده است. راست‌گرایان بحث از عدالت اجتماعی را در نماز جمعه خلاف شرع دانستند و به سخنان آقای هاشمی رفسنجانی در دفاع از محرومین اشکال کردند و خواستار پس‌زدن امثال ایشان شدند و اگر توجه کنیم که تناسب قوا در درون حاکمیت شکننده است و سردمداران بازار نیروی خود را از مدتی پیش تجهیز کرده و پشتیبان راست‌گرایان قرار داده‌اند، باید اعتراف کنیم که خطر کوچک نیست و آقای حجت‌الاسلام فاضل هرندی حق دازد که به خطر شکستن شخصیت‌های مدافع مستضعفین، حمله به این شخصیت‌ها به قصد کارگرداشتن آن‌ها از انقلاب اشاره می‌کند و می‌پرسد "ما کجا بگردیم مثل هاشمی رفسنجانی پیدا کنیم؟"

اگر این شخصیت‌ها از انقلاب کنار رفتند و روی دشمن باز شد چه کسی این قافله راهبری می‌کند؟

مسئله مهم این است که حمله به این گونه شخصیت‌ها فقط از طرف مخالف ضد انقلابی رسوا شده و شناخته انجام نمی‌شود. لحن کلام

امثال آقای فاضل هرندی نشان می‌دهد که نیروهای از درون خود حاکمیت و روحانیت، از میان "برادران" دست به اقدام زده‌اند و به نام حمایت از اسلام، محیطی به وجود آورده‌اند که بردن اسم "مستضعف" جرم است و به قول آقای هرندی:

"آیا صحیح است که ما جوی بسازیم که بمنوان حمایت از اسلام کسی جرئت نکند در خطابه‌هایش و سخنرانی‌هایش اسم مستضعف را به زبان جاری کند!"

این جوروا علی امینی و بختیار وینی صدر نساخته‌اند. کسانی ساخته‌اند که از "ما هستند، حامی" اسلامند. حجت‌الاسلام کروی هم با اشاو به همین وضع جدید است که نگرانی خود را باسراز می‌کند و به "برادران مؤمن" هشدار می‌دهد:

"به برادران خوبان، به برادران مومن‌مان که آشنا نیستند هشدار می‌دهیم خدای نسنده ساده لوحی نکنند و طعمه این عوامل فساد، ناخود آگاه، غیر مستقیم، با واسطه قرار نگیرند."

این گریه‌های مرتضی علی که چهار چنگولسه پایین می‌آیند، هرچوری بیندازیشان، این‌ها می‌گردند آن گوشه و کنار، به گوش افراد مومن و پاک و ساد طبع می‌خوانند و جوسازی می‌کنند. این "عوامل فساد"، این "گریه‌های مرتضی علی" کیستند؟ آقای کروی اسم نمی‌برد ولی از گفتاش معلوم است که آنان کسانی هستند که دهانشان به گوش "برادران مومن و خوب" نزدیک است.

و این همان چیزی است که ما ماه‌ها پیش آنرا افشا کردیم. رفیق کیانوری در پاسخ به پرسش یکی از رفقای حزبی در شهر یروماه ۶۱ می‌گوید:

"این که با موصیگری شورای نگهبان (در مورد ملی کردن بازرگانی خارجی) حرکت انقلاب دچار فلج شده و این می‌تواند زبان‌های بسیار بزرگی به انقلاب وارد آورد درست است. شورای نگهبان هم تنها نیست، شورای نگهبان (منظور اکثریت شورا است) فقط جزئی است از طیف بزرگی که تلاش می‌کنند به برگرداندن انقلاب..."

گروهی که مدافع سرمایه‌داری است طیف وسیعی را تشکیل می‌دهد و امکانات وسیعی در جامعه ایران و حتی حاکمیت ایران دارد. رفیق کیانوری در پاسخی به یکی از پرسشها شیوه کار راست‌گرایان را افشا می‌کند و می‌گوید:

"امروز بهترین عناصر انقلابی وفادار به خط امام خمینی را از دجهت مورد حمله قرار می‌دهند. تروریست‌ها آن‌ها را با بعب و گلوله هدف قرار می‌دهند، و آن موزیان سازشکارها امپریالیسم‌ساز راه افترا و تهمت‌زدن به عناصر صدیق"

عناصر صدیق خط‌امامی را لکه دار می‌کنند تا بتوانند آن‌ها را از پست‌های حساس برکنار کنند و خود تمام دستگاره را در دست خود بگیرند و ضربه نهایی را در نقطه مناسب به انقلاب وارد کنند."

در چنین وضعی تنها راه برون رفت وارد شدن مردم در صحنه است تا نگذارند که سرنوشته انقلاب در جوسازی‌های درکوشی و بحث‌های ظاهراً "علمی و اسلامی" پشت‌پرده و از طریق سوءاستفاده از مقام دولتی و قانون تعیین‌شود. ورود مردم به میدان است که تمام حساب‌ها را به هم خواهد زد.

بحران انقلاب و راه برون رفت از آن

بخش از صفحه ۱۳
 مرحله کنونی نبرد روشن تر و آشکارتر از همه
 نبردهای گذشته طبقاتی است. مدافعان سرمایه -
 اری مارنر که نقاب اسلامی، به چهره زده اند
 دانسته و طبق نقشه می خواهند این واقعیت
 را نفی کنند. تقسیم جامعه را به طبقات اجتماعی،
 شکاف عظیم بین عارتگران و محرومان را انکار کنند،
 تا سرمایه های عارت شده و املاک عصبی خود را
 نجات دهند. دفتر سیاسی حزب جمهوری اسلامی
 یکی از همان "برادران" که به درگسوس
 "مسلحانان مومن" می خوانند ادعا دارد که گویا
 "گرایش طبقاتی و صنعتی و ایجاد مهورهای بر
 اساس لایه بندی اجتماعی و اقتصادی از آفتهای
 است که ممکن بود انقلاب اسلامی ما بدان مبتلا
 شود!!"

ولی در واقع چنان که آقای کروی می گوید:
 "آنی که انقلاب با آن درگیر است سرمایه دارها
 هستند." طبقاتی بودن این نبرد احساس
 می کند که شعور طبقاتی زحمتکشان هرچه بیشتر
 و تشکل طبقاتی آنان هرچه محکم تر باشد. در
 برابر بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران کم بسیار
 خوب متشکل و مجهزند فقط مردم می ترانند
 بایستند و پیروز شوند که آگاه و متشکل باشند.
 متأسفانه در این زمینه نیروهای خط امامی به
 نوبی ترس فلج کننده دچارند و از این که آگاهی
 مردم به طور پیگیر پیش رود و آن ها مسائل رانسا
 اینها درک کنند و از این که توده ها در سازمان ها
 خود متشکل شوند می ترسند. در نتیجه، همواره
 مبارزات نیمه کاره می ماند، مردم می روند، شهید
 می دهند، فدکاری می کنند اما سرانجام نفاخی
 را که می بایست می گیرند. عده ای دشمن مردم
 مسلح به رش و تسبیح و متأسفانه گاه با کمک خط
 امامی ها، می آیند و در حکومت جامی گیرند.
 اگر در نبرد سنگینی که در پیش است نیروهای
 مردمی بر تزلزل و دودلی خود چیره شوند و هم
 چنان به نیمه کاره ماندن و استخوان لای زخم
 کمک کنند مسئول خواهند بود. کاری که برای
 روشن کردن مردم و طرح مسائل با مردم آغاز
 شده خوب است ولی به شرطی که پیگیر باشند.
 خطر دشمن جدی است. ضد انقلاب نیسرو و
 امکان فراوانی در اختیار دارد. جنگ تجاوز -
 کارانه عراق علیه ایران نیروهای مردمی را به شدت
 تحلیل می برد و شرایط را برای ضد انقلاب فراهم
 ترمی کند. اگر امروز هشیار نشایم، اگر امروز
 اقدام نکنیم، به گفته بسیار درست آیت الله
 اردبیلی: "فردا دینار است."

حزب توده ایران مدافع پیگیر انقلاب و اتحاد نیروهای انقلابی

حزب توده های ما، با روشن بینی و تحلیل
 دقیق علمی، از همان آغاز به طور قاطع در صف
 نیروهای پیگیر انقلاب بوده و در نبرد ضد امپریا -
 لیستی و نبرد برای تحول بنیادین اجتماعی در

سنگر اول جا داشته و دارد. تمام تحلیل های
 حزبی مندرج در اسناد حزب ما و همه عملکردها
 و موضع گیری های ما در طول دوران انقلاب و پس
 از آن درستی خود را با تجربه به ثبوت رسانده
 است. برنامه حزب توده ایران مصوب پلن سوم
 هفدهم (فروردین ۶۰) در جریان نبرد های
 بخرنج دو ساله اخیر درستی خود را به طرز
 درخشانی نشان داد. این برنامه و هم چنین
 تمام تحلیل های روشن بینانه ای که در مطبوعات
 حزب ما درج شده و به ویژه در نوشته ها و پاسخها
 رفیق کیانوری به پرسش های مطروحه آمده، هم
 چنان راهنمای عمل حزب است.
 بازداشت رهبران حزب ما و اقدامات دیگری
 که از سوی محافل راست گرایان و به تحریک
 و توطئه ضد انقلاب آشکار انجام میشود و فقط
 دشمنان انقلاب را خرسند می کند - خود دلیل
 تازه ای است بر صحت مشی انقلابی حزب ما.

رفیق کیانوری در شهر پیروماه می گفت:
 معنی "توده های تیرباران" عبارت است از "مرگ
 بر قانون اصلاحات ارضی"، "مرگ بر اصلیل ۴۹
 قانون اساسی"، "مرگ بر قانون اراضی شهری"،
 "مرگ بر سازمان های مستقل کارگری"، "مرگ
 بر آزادی"، "مرگ بر همه دست آورد های انقلاب".
 اینها همه از يك منبع برمی خیزد. بعد از "مرگ
 بر توده های" - اگر جا بیفتند - آن مرگ های دیگر
 هم عملی می شود، و آنوقت مرگ بر پیروان خط
 امام، "زنده باد آمریکا"، "زنده باد غیارت
 بی بند و بار سرمایه داری" و "زنده باد وابستگی
 آریامهری به امپریالیسم"، شعارهای بعدی
 است.

همه این ها در يك ستاد ساخته می شود.
 و آن ستاد "جنگ روانی امپریالیسم آمریکا است".
 امروز صحت این نظر مثل روز روشن است.
 همان هایی که قانون اصلاحات ارضی را رد کرده
 و آشکارا از غارتگری سرمایه داری دفاع می کنند
 رهبران حزب توده ایران را هم بازداشت کرده
 و مسلماً جواب های بدتری برای انقلاب دارند
 و تا وقتی "شعار مرگ بر آزادی" و "زنده باد
 آمریکا" را برقرار نکنند بجای خود آرام نخواهند
 نشست.

اشتباه بزرگ برخی از پیروان خط امام این
 است که گمان می کنند اگر آزادی های سیاسی و
 اجتماعی را محدود کنند و اگر خود را ضد
 کمونیست تر از مدافعین خرابکار سرمایه معرفی
 نمایند، کارشان بهتر پیش خواهد رفت. یکاش
 پی آمد های فلاکت بار چنین اشتباهی که بارها
 در ایران و کشورهای نظیر آن بر سر انقلابیون
 اشتباهکار فرود آمده بر سر دوستان نا آگاه
 وجود محور ما نباید.

آن چه که مربوط به اعضا و هواداران حزب
 ما است، آن ها به پیروی از برنامه روشن و
 انقلابی خود و با درک حساسیت لحظه و وسعت
 خطر، با آمادگی در نبرد طبقاتی کنونی شرکت

می کنند و می کوشند تا انقلاب شکوهمند ما از این
 خاکریز هم بگذرد. ما برای تحول بنیادی جامعه
 و حل همه مسائل مبتلا به مردم برنامه روشن
 داریم. رفقا و هواداران حزب این برنامه ها را
 بیش از پیش به میان مردم می برند، در بلا بردن
 آگاهی طبقاتی و کمک به تشکل توده ها با تمام
 قوا می کوشند. پیوند با مردم و بودن با مردم
 شعار اصلی توده های ما است و هشیار، هشیارک
 همه جانبه سیاسی و سازمانی وظیفه درجسه
 اول آن ها.

ستون استوار مشی انقلابی حزب ما تلاش
 برای اتحاد نیروهای انقلابی است. این تلاش
 را در شرایط کنونی باید ده چندان کرد.
 دشمنان آگاه عوامل خرابکار از بازداشت رهبران
 حزب ما قبل از همه تفرقه افکنی را در نظر دارند.
 آن ها می کوشند که اتحاد عمل نیروهای انقلابی
 را غیر مقدور سازند. این خرابکاری را باید خنثی
 کرد.

روشن است که در شرایط کنونی مسئولیت
 اساسی با رهبران جمهوری اسلامی ایران و به
 ویژه با پیروان خط امام است. آن ها هستند که
 باید با هشیار، دمقت، یکی کردن حرف و عمل
 و مراعات قوانین جمهوری اسلامی ایران، ریشه -
 های تفرقه را بخشکانند و به اتحاد نیروهای
 انقلابی کمک کنند.

آزادی بی قید و شرط رفیق کیانوری و سایر
 رهبران و فعالین حزب توده ایران و پذیرش
 نه و روح قانون اساسی در باره آزادی فعالیت
 حزب ما، گام مهمی در جهت همکاری نیروها
 خواهد بود. هم چنان که بازداشت غیرقانونی
 این رهبران به تفرقه و تشنج و ایجاد محیط
 غیرعادی در کشور کمک کرده است.



برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق

روستای ایران در انتظار تحول

انقلاب بزرگ ما، در ماهیت خویش انقلابی ضد امپریالیستی و مردم‌پس است. یعنی هدفهای استراتژیک اساسیتر کسب استقلال سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی و طرد هرگونه وابستگی و تأمین حقوق حقیقی توده مردم زحمتکش است.

این انقلاب برای پیروزی قطعی و تثبیت خویش باید یک رشته وظایف اساسی در زمینه‌های مختلف اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی را به انجام برساند و مسئله حاکمیت را به سود خط‌صدا امپریالیستی و خلق‌پس حل کند. دشمنان انقلاب در کمین اند. باید انقلاب را بازگشت ناپذیر ساخت.

در مسئله ارضی و طبقه اصلی کثونی برای رسیدن به هدف پایتای انقلاب عیار تست از انجام اصلاحات ارضی بنیادی به معنای ریشه کن کردن تمام و کمال بزرگ مالکی در تمام اشکال و ایجاد آن و زمین دار کردن کلیه دهقانان بی زمین و کم زمین، رساندن حق به حق دار بر شالوده منافع مسلم طبقاتی دهقان زحمتکش.

به عقیده ما نمایانست سالها منتظر رسیدن به این هدف شد و اعلان پذیر می‌بود که پسا غلبه بر کارشناسی روحانی نمایان "بدرتر از شمر" از مدت‌ها پیش به این هدف رسید. ما معتقدیم که انقلاب ما و توده مردم حق طلب روستایی ما آن توان لازم اجتماعی را داشتند (و دارند) که بر مقاومت اربابان و خوابین و زمین داران سرمایه‌دار و ایادی آنها فایز آیند. اما در این زمینه حساس و حیاتی، هنوز این مسئله با حدت تمام در دستور روز انقلاب ما باقی است. بدون اجرای اصلاحات ارضی بنیادی و بدون ریشه کن کردن بزرگ مالکی (بند "ج" مربوط به ارضی بایر بزرگ مالکان و بنسند "د" مربوط به ارضی دایر آنست) انقلاب ما پسا نخواهد گرفت. اسمیتی که همه انقلابیون برای اجرای بندهای "ج" و "د" یعنی خلق بسند از بزرگ مالکان در تمام اشکال خانجاسی و فئودالی و سرمایه‌داری آن، محل مسئله زمین و مالکیت آن به سود دهقانان تهی دست، به

سود اقتصاد کشاورزی ما، به سود امر تحکیم انقلاب قائلند از همین جا ناشی میشود. بدون این گام انقلاب در پیش از شصت هزار روستا و در میان نزدیک به بیست میلیون ایرانی روستا نشینان زحمتکش و هم‌پیمان امیدوار، ریشه نخواهد دوآیند و به همین علت متزلزل و در معرض پورش و تهدید باقی خواهد ماند و به تثبیت و تحکیم نائل نخواهد شد. اصلاحات ارضی بنیادی یکی از آن محمل‌های اصلی است که بدون آن انقلاب ما در همین مرحله اول ناقص و سسترون خواهد ماند.

تجربه بیش از پیش به انقلابیون صد یخنی می آموزد که میان مبارزه در راه ریشه کن کردن تسلط جا برانه و فارتکرانه امپریالیستی و لزوم انجام دگرگونیهای بنیادی در نظام اقتصادی

کشور به سود مروهان جامعه در جهت محدود کردن فارتکران و سود جهان رابطسه ناگمستنی و اجتناب ناپذیر وجود دارد. نمیتوان انقلابی صدیق و بیگیر علیه امپریالیسم بود و به سمت گیری نظام اجتماعی - اقتصادی کشور و منافع حقه طبقاتی زحمتشان بی اعتنا مسانسند.

و اما در مسئله ارضی و چگونگی حل آن ما معتقدیم که پسرار انجام وظیفه حیاتی و اصلی اصلاحات ارضی بنیادی و ریشه کن کردن بزرگ مالکی، باید همه کوشش را بکار برد تا در این زمینه نیز - در چارچوب سیاست عمومی کشوری و در مشی عمومی طرد سرمایه‌داری - جلو تمام سرمایه‌داری در کشاورزی و در روستاها را گرفت. نیاز به اثبات و استدلال ویژه ندارد که تصرف ریشه کنی بزرگ مالکی، به خودی خود، منجر به الغای استثمار در ده و حل مسائل مختلف

کشاورزی نخواهد شد و تضمینی برای عدم جانشینی نظام استعماری دیگری بوجود نخواهد آورد. لازم است تدابیر ویژه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی برای اجتناب از آن اتخاذ شود. غلبه بر عقاید مانذگی فرهنگی بسیار سنگینی که ارضیه شوم قرنها سلطه صاحبان زر و زور و تزویر و نظام فساد پرور، بهره کشی و سستگری بوده است وظیفه مهم انقلاب و جنبه برجسته ای از سلسله تدابیری است که برای یک ستمگری نوین مردم ضرور است. یک انقلاب فرهنگی واقعی، از ریشه کنی بیسوادگی گرفته تا اشاعه دستاورد های علم و فن و هنر و فرهنگ ایرانی و جهانی، از توضیح و تبلیغ و ترویج مسائل گوناگون زندگی روستائی و منطقه‌ای و ایرانی و جهانی در همه زمینه‌ها گرفته تا بارور ساختن و شلوفا کردن بهترین سنتهای فرهنگ بومی و ملی و احیای آداب و رسوم مترقی و خلقی، در این سلسله تدابیر جای خواهد گرفت.

در زمینه کشاورزی برنامه حزب توده
بقیه در صفحه ۱۶

وضعیت دهشت بار زنان زحمتکش روستایی

یکی از درد های عظیم جامعه ما مسئله زنان زحمتکش روستائی است. زنان روستائی هنوز از هرگونه امکانات رفاهی محرومند. بخشن عده دختران روستائی از تحصیل محرومند. پیری زود رس در همه زنان زحمتکش روستا مشاهده می شود.



آموزشی، بهداشتی و حقوق اجتماعی محرومند. آنان باید هم به امور خانه رسیدگی کنند، هم در مزرعه کار کنند، کاو و کوسند ها را بچرانند یا عمر خودشان را در کارگاههای نمور قالی بافی برای شمدنظاری بگذرانند. زنان روستائی در اثر فقر از یام تا شام کار می کنند، ولی ثمر کارشان توسط بزرگ مالکان و سرمایه داران فارت می شود. هنوز اکثر نزدیک به اتفاق زنان روستائی بی سواد و گرفتار آداب و سنسین عقب مانده می باشند. ساعات کار روزانه زنان روستائی مشخص نیست. زن روستائی از مرد روستائی بیشتر کار می کند.

زنان روستائی با تجاوز آمریکائی - صدامسی به خاک میهن ما با افزایش تولید، تهیه و جمع آوری ارزاق، آلیسه و وسائل برای جنبه های جنگ تا به امروز به وظائف انقلابی خود بنحو شایان توجهی عمل کردند. زنان روستائی عزیزان خود را برای حضور در جنبه های جنگ بدرقه کرده اند. زنان روستائی هیچگاه از وظیفه انقلابی و میهنی خود غافل نبوده اند، به این جهت انتظار دارند در مقابل این جانفشانی هایشان برای تحکیم انقلاب و پیروزی در جنگ، با ابتدائی ترین نیازهای آنان بر آورده گردد.

روستای ایران در انتظار تحول

بقیه از صفحه ۱۵

ایران برای این دوران تاریخی بر سه اصل تکیه میکند: شکوفائی اقتصاد کشاورزی، زدودن استثمار و ستم، بهروری دهقانان.

اقتصاد کشاورزی ما را رژیم گذشته به نایب کشاورزی ما در یکی از غنی ترین کشورهای جهان با منابع فراوان طبیعی و با امکانات شکست پذیرت زندگی می کنیم ولی دارای یک کشاورزی عقب افتاده هستیم. نه فقط چند میلیون عشایر ایرانی، بلکه اکثریت بزرگی از نزدیک به بیست میلیون روستائی ایران با شیوه تولیدی عقب مانده و مدموم به زوالی دست یگیرانند. در مناطق قابل توجهی مناسبات ایلخانی و پدرسالاری و نیمه فئودالی وار با بن سبطه خود را حفظ کرده و مناسبات سرمایه آری در همه جا از بقایای مناسبات ماقبل خود استفاده می کنند. و به خاطر استثمار شدید تر بر آنها تکیه میزنند و آمیزهای دردناک و فقر آفرین ایجاد میکنند. برخی واحدهای مدرن همچون جزایر کوچکی در میان اقیانوسی از وسایل تولید بسیار کهن

پراکنده اند و گاه دهات با سیاه چادرها تیرا می بینیم که گوئی از هزاران سال قبل دست نخورده باقی مانده اند. از منابع آب و خاک همانقدر که هست، از مراتع و امکانات دامپروری، از جنگل ها، استفاده معقول نمی شود. برعکس، این منابع وسیعاً رویه نابودی میرود. محصول در همین رشته های حیاتی تکافتی نیازها را نمیکند. در حالیکه بنا به ارزیابی متخصصان متعهد به انقلاب در بسیاری از رشته ها میتوانیم نه فقط خود کفا، بلکه صادر کننده باشیم. به این وضع باید پایان داد.

استثمار و ستم از دیرباز ریشه های عمیق در روستاهای ایران دارند و آثار جراحیات مهلک آن بر چهره دهات مینماید. ما نقش بسته است. بهره کشی و زورگویی و حق کشی و فریب، این همزادان همیشگی نظامات عشیره ای و اربابی طی قرن ها به جزئی از نحوه زندگی در جامعه روستائی ما بدل شده است. انواع زورگوییان و بهره کشان در روستاها از عوامل خان و مباشران

گرفته تا واسطه ها و سلف خرها، از عوامل گوناگو بهره کشان شهری گرفته تا برخی مساموران باقیمانده از رژیم گذشته یا تازه به دوران رسیده از سنت های بهره کشی و ستم سو استفاده میکنند و خواهند کرد.

بهروری دهقانان زحمتکش عامل مهم دیگری است که در برنامه حزب توده ایران در زمینه امور کشاورزی و دهقانی بر آن تکیه میکند. اصولاً هدف از ایجاد اقتصاد شکوفائی و رفیع ستم و استثمار، هدف از این همه کوشش و فداکاری بهروری توده های مردم، سعادت آنها و نسل های آینده است. بهروری توده رحمت لازمه طرد راه رشد سرمایه داری و نتیجه آن است. لازمه ستم گیری سوسیالیستی و پیانند آن است. وضع زندگی وحشتناک اکثریت عظیم دهقانان تهنی دست، این کوه نشینان و محروم از آموزش و بهداشت و تمدن رستی و فرهنگ باید از ریشه عوض شود. در حال حاضر در روستاها دهقانان و ایل نشین ایرانی از "رفاه" صحبت کردن خیال پردازی افسانه وار مینمایند. آنها اکنون به حداقل شرایط زندگی نیازمندند. آنها از ابتدائی ترین شرایط زیست انسانی محرومند. در خانواده هشت نفری یک ایل نشین بختیاری که فقط شن شناسنامه دارد، هیچیک تند رست نیستند و همه بیسواد هستند. "مایک خانواد" تنها یک چادر سیاه است زنده و پاره، یک گهواره و یک سینی برای پختن نان و یک بچه خرت و برت. بهداشت و آموزش، تفریح کودک و استراحت صادر مقلاتی هستند خارج از وهم و خیال و باور نکردنی. تنها داروی دیدن درد کودکی از خانواده که موجب شیخی بیخوابی شده، دید خورشید و آمدن روز است تا شب بعد.....

این خانواده نمیتواند نوشته های روی کوبن را بخواند تا سهمیه قند خود را بگیرد و زیر چادر، این "مسکن" مشترک هشت انسان و چند بز و گوسفند، جای خود را شیرین کند. و از اینها در دهات و عشایر میلیونها نفرند. انقلاب بزرگ ما وظیفه حیاتی و حصاد دارد که به این وضع رسیدگی کند و نه تنها هر چه زودتر جنگال موخر مرض و فقر و بیسواد را از جان دهقانان کوتاه کند و حداقل شرایط زندگی انسانی را برای آنان فراهم آورد، بلکه افق بهبودی و اندام این شرایط را در زمینه های مختلف مسکن و عمران روستا، بهداشت و محیط زیست، آموزش و گسترش فرهنگ ایجاد کند. در برنامه حزب ما هم پیوندی رشد اقتصاد کشاورزی با ایجاد تغییر جدی در شرایط زندگی وحشتناک کنونی خاطر نشان گردیده است. در برنامه، بر ضرورت توزیع عادلانه درآمد ملی، تأمین اشتغال برای همه، تأمین بهداشت عمومی و بیمه های اجتماعی تهیه مسکن انسانی مقناوم، ریشه کن کردن بیسواد و آموزش اجباری هشت ساله به زبان مادری که همه برد دهقانان نیز است تأکید شده است. همه اینها جزئی است از یک برنامه اصیل گسترش و زرفش انقلاب از راه سرمایه داری رسندن به بهره وری دهقانان در ایجاد مختلف مسادی و معنوی آن محال است.

راستگرایان با مناسبات ایران با کشورهای دوست انقلاب حتی در حد "تعارف" هم موافق نیستند!

اهداف خود سو استفاده کنند. بارها قشر یون با طرح شعار "مرگ بر بی حجاب" کوشیدند و میگویند که با تحریک احساسات مذهبی مردم به اهداف خود دست یابند، به نحوی که دولت مردان جمهوری از جمله حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی، رئیس مجلس در نماز جمعه به افشای این شیوه ها پرداخته اخیراً وزارت کشور هم در اطلاعیه ای نسبت به "سو استفاده" برای "لکه دار ساختن جمهوری اسلامی" هشدار می دهد و از جمله می نویسد: "جهت جلوگیری از هرگونه سو استفاده عوامل ضد انقلاب و لرهک های مفسد که پیوسته در صدد لکه دار ساختن جمهوری اسلامی میسازند، درخواست میشود اقدامات شخصی و جمعی (در مقابل "متجاوزین به حق") خودداری ورزیده و اجازه دهند مسئولین از مجاری قانونی عمل نمایند، در غیر اینصورت متخلفین تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت." (کیهان ۱۲ اسفند ۶۱)

انگیزه نیز "عوامل ضد انقلاب" و فشریون میگویند با تحریک احساسات "توریست های ایرانی که به سوریه سفر می کنند، روابط در حد تعارف بین جمهوری اسلامی ایران با "تنها کشور غربی" جایندار ایران در جنگ تحمیلی عراق را تیره کنند و به سردی بکشاند. این "سو استفاده" به "لکه دار ساختن جمهوری اسلامی" مناجاد و به حالی کردن بیشتر پشت انقلاب و در ساختن متحدان طبیعی و واقعی انقلاب و جمهوری اسلامی از آن دامن میزند.

باید دست سو استفاده شندلان را قطع کرد.

با وجودیکه در چهار سال گذشته پس از انقلاب، محافل امپریالیستی لحظه ای از توطئه و تحریک علیه انقلاب ایران باز نایستادند، و حتی از دخالت نظامی و تهدید آشکار پسه تکرار وسیع تر آن نیز احتراز نکردند و نمی کنند، گرایش راست، موفق شد بهترین مناسبات واقعی و خارج از تعارف را با آنها و کشورهای وابسته به آنها از نوع ترکیه و پاکستان حفظ کند و گسترش دهد و در عوض مناسبات با کشورهای پیشرویی چون لیبی، سوریه و الجزایر را در حد تعارف نگاه دارد و هر چند گاه تیره سازد. (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۱/۱۱/۶۱)

به گزارش روزنامه فرانکفورت الگمین (۲۴ مارس ۱۹۸۲، ۴ فروردین ۶۲) در جریان مسافرت ۶۰۰ "توریست" ایرانی به سوریه، که "تنها کشور غربی است که جانبدار ایران در جنگ آن با عراق، است." "برخورد و کشمکش بین "توریست ها" و "پلیس" ایجاد شده است. علت این برخورد را این روزنامه کوشش "توریست ها" برای انتقال و گسترش دادن انقلاب ایران به سوریه، که در مخالفت "توریست ها" با فیلم های "بد" و "لباس های تابستانی زنان سوریه و اروپائی" تظاهر کرده است، قلمداد می کند. روزنامه سرمایه داری بزرگ آلمان بطور غیر مستقیم "توریست ها" را تشویق می کند با "همفکران خود"، "انخوان المسلمین" که دشمن خوئی رهبری سوریه هستند تماس بگیرند. این نمونه یکبار دیگر می آموزد که چگونه فشریون قادرند و قادر شده اند، از احساسات مذهبی افراد معتقد به مذهب برای پیشبرد

برنامه مشترک علیه امپریالیسم و جنگ

بقیه از صفحه ۵

بعضی مسائل ایدئولوژیک، تفاوت‌هایی در ساختار اقتصادی - اجتماعی و سطح تکامل اقتصادی و همچنین در اشکال مشخص و موفقیت در تحولات جاری. اما آنها در عین حال در اهداف واحدی مشترکند. چنانکه در اسناد بیست و ششمین کنفرانس حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است، این جهات عبارتند از: "در هم کوبیدن ندرجیسی مواضع انحصارات امپریالیستی و بورژوازی بزرگ‌میلی و فئودالها، محدود کردن فعالیت سرمایه‌های خارجی و گرفتن اهرم‌های کلیدی در اقتصاد بوسیله دولت خلقی و نیز رشد نیروهای مولده از طریق برنامه ریزی و تشویق جنبش تعاونی در روستاها، ارتقاء نقش توده‌های زحمتکش در حیسات اجتماعی، ایجاد دستگاه مؤثر دولتی از راه تقویت ندرجی آن بوسیله کادرهای متعهد در برابر خلق و اتحاد سیاست خارجی ضد امپریالیستی در این کشورها، احزاب انقلابی که بیانگر منافع توده‌های بزرگ زحمتکشان هستند در این کشورها تحکیم می‌پذیرند."

بسیاری از کشورهای آسیایی و آفریقایی می‌کوشند مشکلات خود را از طریق اختیار راه رشد سرمایه‌داری حل کنند. با وجود این در میان این کشورها که در اکثریت هستند، بسیاری وجود دارند که منافع ملی و حق حاکمیت خود را حفظ میکنند. این مسئله اغلب به مقابله جدی با امپریالیسم می‌انجامد. و مهمتر از همه، توده‌های خلق زحمتکشان این کشورها هنوز حرف آخر خود را در انتخاب راه تکامل بهتر نزد ما ندانند. با وجود تمام تفاوت‌های کشورهای در حال رشد، عواملی وجود دارند، که آنها را به هم نزدیک می‌سازد تا برنامه مشترکی برای مبارزه در راه آینده‌ای بهتر تهیه نمایند. این عوامل در درجه اول عبارتند از: مخالفت با امپریالیسم، یعنی مبارزه در راه صلح، آزادی و استقلال، یعنی برای رفع تدهای استعمار سیاسی، تشویقات اقتصادی و نژادگرایی و تبعیض نژادی شرم‌آور و همچنین آزاده خلل‌ناپذیر برای آگاهی در خانه خود، توده‌های خلق در مستعمره‌ها و نیمه مستعمره‌های سابق، در دوران آغازین جنبش آزاد بیخشن ملی پیمار جنگ دوم جهانی، با گوشت پوست خود احساس کردند که امپریالیسم نیروی است بین‌المللی و اینکه با دشمن مشترک میتوان با مبارزه مشترک قاطع با متحد ساختن تلاش‌های تمام مبارزین راه آزادی ملی و اجتماعی مقابله کرد. یکی از اشکال متحد ساختن کشورهای در حال رشد، جنبش غیر متعهد هاست که در تاریخ بیست ساله خود به عامل مهمی در زندگی بین‌المللی تبدیل شده است. اصل همزیستی مسالمت‌آمیز شالوده جنبش غیر متعهد ها را از همان آغاز کار تشکیل میداد. اصلی که کشورهای عضو جنبش تحقق آنرا ضمانت اصلی برای رستخیز ملی و تکامل آزادانه خود تلقی میکنند.

فعالیت جنبش غیر متعهد ها پیوسته بر ایسن شناخت استوار بوده، که امپریالیسم دشمن اصلی

خلقهای آزاد شده است.

جنبش غیر متعهد ها مبارزه مشترک همراه با کشورهای سوسیالیستی در راه صلح و تنش‌زدایی را به مثابه شالوده موفقیت‌های آتی خود قلمداد میکند. شماری از کشورهای سوسیالیستی و تمام کشورهای با سمت‌گیری سوسیالیستی مستقیماً در این مبارزه شرکت داشته و به تحکیم جنبش غیر متعهد ها بر پایه صلح آمیز و ضد امپریالیستی خدمت میکنند.

یکی از شاخص‌های عمده جنبش غیر متعهد ها در این نهفته است که فعالیت خود را هماهنگ با سازمان‌های بین‌المللی شناخته شده‌ای نظیر، سازمان ملل متحد، سازمان وحدت آفریقا، اتحادیه عرب، سازمان همبستگی خلقهای آسیا و آفریقا و سازمان‌های دیگری که بعنوان ناظر در جنبش غیر متعهد ها شرکت دارند، انجام میدهد.

با توجه به اینکه استقلال ملی یا استقلال اقتصادی ارتباط ناگسستگی دارد، باید پیوسته در نظر داشت که کسب استقلال ملی توسط کشور های جوان هنوز شروع مبارزه بفرنج برای برابری اقتصادی است. در مرحله کنونی مبارزه ضد امپریالیستی، مسائل رشد اقتصادی مستقل به یکی از نکات مقابله میان کشورهای آزاد شده و قدرتمندی امپریالیستی تبدیل شده است. این مسئله به تشدید عینی مبارزه ضد امپریالیستی خلقها انجامید و محتوای اجتماعی و سیاسی - اقتصادی نوینی به این مبارزه می‌بخشد. بویژه آن دسته از کشورهای جوانی که پیگانه از سیاست عدم تعهد پیروی می‌کنند، اتحاد خود را مستحکمتر ساخته و همکاری

میان خود را گسترش میدهند تا به اهداف اقتصادی معین نائل آیند. برنامه طرح ریزی نوین مناسبات اقتصادی جهانی که "گروه ۷۷" در سال ۱۹۷۹ در آرژانتا (تائزانتیا) پیشنهاد کرده است، نیز همین منظور را دنبال میکنند.

تحکیم مناسبات اقتصادی و بازرگانی کشور های در حال رشد با کشورهای جامعه سوسیالیستی استقلال اقتصادی این کشورها را تأمین میکند. مبارزه برای طرح ریزی نوین مناسبات اقتصادی جهانی در چهارچوب مبارزه مشترک تمام نیروهای انقلابی معاصر علیه امپریالیسم، استعمار و استعمار، نژادگرایی، علیه اشکال تسلط بیگانه و اختناق و همچنین آزادی اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشورهای جهانی تکامل مییابد.

سازمانهای دگرگونی بین‌المللی که میلیونها انسان از کشورهای گوناگون را در صفوف خود گرد آورده‌اند، نقش پیوسته فزاینده و مشکل‌کننده‌ای را ایفا میکنند و به عامل بسیج‌کننده همواره توانمندتری در جنبش جهانی برابر توقف مسابقه تسلیحاتی و خلع سلاح تبدیل میشوند. در عین حال نیروها و سازمانهای اجتماعی جدیدی در عرصه جنبش فعال ضد جنگ و ضد موشکها ظاهر شده‌اند.

اکنون بیش از ۴ هزار سازمان از این نوع موجود است. بخش مهمی از این گروهها، با وجود تمام تفاوتها در اهداف، خصوصیات و اشکال فعالیتشان، فعالانه در راه حفظ صلح و جلوگیری از جنگ هسته‌ای مبارزه میکنند.

خلقهای آسیا و آفریقا از نیروهای برخوردارند که باید به مبارزه فعال در جنبش صلح کفالتند شوند.

مسئله بر سر اینست که جنبش صلح ابعاد حقن الاکان بزرگتر و خصوصیت اجتماعی نمایانی در کشورهای آسیایی و آفریقا بیابد، چنانکه در آرژانتا آمریکا و ژاپن یافته است.

دشمنان انقلاب در صدد بازپس گرفتن مواضع از دست داده خود هستند.

بقیه از صفحه ۱

آنها این "بحث" را هم همانند وسیله "ارتاب" درده، وسیله "کار" خود قرار داده‌اند. پاسخ‌های دندان شکن آیت‌الله موسوی اردبیلی به "اساتید حوزه" که از نفرات آنها را خلع سلاح کرد، نشان می‌دهد، که حرف زحمتکشان و مدافعان منافع آنها حق است.

باید این دلایل را همانند آیت‌الله موسوی اردبیلی وسیعاً با خلق در میان گذاشت، باید آن نیروها و "اساتیدی" که برای بازپس گرفتن دستاوردهای انقلاب وقت مدافعان انقلاب را برای "بحث" می‌گیرند با نام به مردم شناساند و از مردم برای دفاع از دستاوردهای انقلاب کمک خواست!

این است تنها راه حفظ دستاوردهای انقلاب و پانزدهم راندن کوشش راستگرایان برای بازسازی گذشته سیاه!

ما از مقاومت سلطنتان مبارز در حفظ این دستاوردها پشتیبانی می‌کنیم!

آنها هم به زور، به تخته شلاقهای قدیمی و انواع جدید آن متوسل میشوند، و هم از امکانات مالی و امکانات سنتسی دیگر خود سو استفاده می‌کنند تا به ارتاب هیئت‌های هفت نفره، به ارتاب دهقانان زحمتکش دست بزنند و از این طریق زمین‌ها را از چنگ دهقانان دوباره بدر آورند. این شیوه فقط در میهن ما انجام نمی‌شود. هجوم نیروهای راستگرا به انقلاب پیروزند ۱۹۷۴ پرتغال، به دستاوردهای آن، از جمله باصلاحات ارضی انقلابی، درست‌به همین راه رفت. راستگرایان ضد انقلابی پرتغال با برخورداری از نیروی کلیسای کاتولیک، که در خدمت ارتجاع عمل می‌کرد و می‌کند، به بازسازی دوران سیاه گذشته به ویژه در شمال پرتغال نایل شدند. راستگرایان، همانطور که آیت‌الله موسوی اردبیلی افشاء کرد، برای دسترسی به این هدف شوم خود از "بحث" کردن هم ابائی ندارند!

صورت کمک های مقطعی و رسیدگی های صورتی است شمر بخش نخواهد بود که هیچ نتیجه عکس هم خواهد داد و بهای نهای خواهد شد برای آنکه دو چندان آن از مستضعفین چایپد شود.

آری، احقاق حقوق زحمتکشان، هماگونگی به معاون وزارت کشاورزی نوشت (رجوع کنید به "راه توده" شماره ۴۵) بدون محدود کردن دامنه فعالیت سرمایه داری، امکان پذیر نیست. رسیدگی واقعی به وضع مستضعفین یعنی همان "رسیدگی" به چهارلص صاحبان سرمایه ها و املاک کلان و خلیج پد از آنها.

زحمتکشان ایران از حداقل معقول سطح زندگی محرومند

آیت الله موسوی اردبیلی طی سخنانی گفت: "اساس حرکت ما بسوی مستضعفین است و هر کس در هر جا که کار می کند باید کوشش کند که در هیچ جا استضعاف فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی وجود نداشته باشد. این صحیح نیست که مردم در زحمت زندگی کنند و عدای بخاطر ضعف مالی حتی زیر زمین و پشت بسام خانه ها را اجاره کنند."

واقعیت نیز همین است که زحمتکشان ایران از حداقل آنچه بعنوان خوراک، پوشاک و مسکن مناسب در شان زندگی بشری است محرومند. گرانی بیاد مرگند، مسکن را صاحبان مستغلات بزرگ در جنگ دارند، کشاورزان از بهره گیری از آنچه که می کارند محرومند. نماینده آمل در مجلس می گوید:

"سالهای که در این روزها در اکثر شهرهای شمال بصورت حادی درآمده است خلیج پد و بیرون راندن کشاورزان از زمین های است که سال ها در آن به کشت و زرع زارمانه مشغول بودند. ما نه تنها زمینی از فوئدال ها نگرفته و بس که کشاورزان بداد ایم، بلکه همان زمین های کسه کشاورزان حتی در زمان طاعوت بصورت تصفکاران برای ارباب می کاشتند، آن را هم از دست آنان گرفتیم."

با این شدت گرانی ما بهتاج عمومی، بخلطی درگاه سرمایه در حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می خواهند فشار هرچه بیشتری را متوجه زحمتکشان سازند. محسن معتقد رضایی قائم مقام وزارت کار ضمن اعلام تصمیم اخیر شورای عالی کار مبنی بر ثابت ماندن حداقل دستمزد کارگران در سال جاری گفت: "۰۰۰ با توجه به وضعیت کشور در رابطه با جنگ تحمیلی عراق و محاصره غیر مستقیم اقتصادی و با توجه باینکه هرگونه افزایش دستمزد در افزایش نرخ تورم پد و ن اینک کمک چندانی در افزایش قدرت خرید کارگران داشته باشد، افسر خواهد گذاشت و سبب بالا رفتن قیمت ها و کاهش قدرت خرید آن دسته از اقشار جامعه که افزایش حقوق ندارند خواهد شد." (۱)

مردم زحمتکش ایران در پاسخ به آقاسی معتقد رضایی می گویند: "آقای قائم مقام وزیر کار! بروید گریبان آنها را بگیرید که بقول آیت الله شهید صدوقی و آیت الله ملکوتی، سود ها را خود را چندین برابر زده اند، آنها هستند که "سبب بالا رفتن قیمت ها" هستند، نه بقیه در سلسله"

کرد، و این خود، در دل حقیقت تلخی را گویا- ست، و آن اینکه: در جامعه ما هنوز استضعاف وجود دارد."

مقاله سپس با اشاره به اینکه هیچکس در جامعه با کمک کردن به مستضعفین رسیدگی به آنها "بطور عام مخالفتی ندارد، ادامه می دهد: "ظاهر قضیه این است که همه می خواهند به وضع مستضعفین رسیدگی شود. اما واقع اینست که برای بسیاری این رسیدگی بدون در نظر گرفتن ریشه نابشامانها و بدبختی های اقتصادی و اجتماعی آنان، مورد نظر است."

مقاله سپس با اشاره به اینکه همین "بسیاری" با "سیستمی" که در این ضعیف ساختن نقش داشته است، کاری ندارند، می نویسد: "خیلی ها هستند که حاضرند میلیارد، میلیارد هم به ضعف کمک شود و مشکلات آنها مرتفع گردد، نه تنها حاضرند، بلکه از این کارخیلی هم خوشحال می شوند، چرا که باری از روی دوش آنها برداشته می شود و جامعه دیگر فشاری بر آنها وارد نمی کند، لکن آنها به این شرط حاضر به این کمک رسیدگی هستند که فقط کمک بسه مستضعفین مطرح باشد و کاری بکار مستکبرین نداشته باشند."

نویسنده می افزاید: "در واقع آنچه منشاء مخالفتها و مشکلات است رسیدگی به مستضعفین نیست، بلکه رسیدگی به مستکبرین است. از کسه خلیفه و از بیثباتی سال دولت هرچه می خواهید به فقیرها و بیچاره ها کمک کنید تا سرود ایشان در نیاید، اما سراسر پولدارها نیابید. مطمئن باشید هیچکس بسا اینگونه رسیدگی به مستضعفین مخالفتی نخواهد کرد و نهی نیز بر سر راه آن موجود نخواهد بود."

در ادامه مقاله آمده است: "سخن بر سر این است که اگر می خواهیم این سال واقعا سال مستضعفین باشد، باید بسه تمامی معنای کله با استضعاف، یعنی اینکه گروهی با اعمال و روش های خود موجب ضعف و بدبختی دیگران شوند، به مبارزه جدی برخیزیم، نه اینکه اینان را در کارهای خود آزاد بگذاریم و از آن سو با امکانات محدودمان کمک های اندک و ناچیز و موقتی و گذرا به آن در ضعف نگاه داشته شدگان بکنیم که تنها می توانند رمقی بیشتر برای چایپد شدن به آنها پد دهد."

نویسنده سپس با تأکید بر اینکه اینگونه "رسیدگی به ضعف" تنها داری مسکن با اضر کوتاه مدت خواهد بود، ادامه می دهد: "رسیدگی به مستضعفان وقتی واقعا مصداق پیدا می کند که از حوزه حرف و شعار، به حوزه عمل جدی و قاصعانه برای ریشه کن کردن استضعاف درآید. اگر قرار باشد در جامعه استضعاف وجود داشته باشد و گردش امسور طوری باشد که عدای بتوانند عدای دیگری را چایپد، مسلم است که کمترین اقدامی که بسه

آمریکا می کوشد جنگ را گسترش دهد

در هفته گذشته بلندگوهای امپریالیستی جارج و جنجال زیادی بر سر نفت خامی، کماز چاههای صدمه دیده نفت ایران در خلیج فارس خارج می شود، براه انداختند. آنها بسا سو استفاده از بن بست که جنگ به آن کشانده شده است، به تبلیغات دامنداری دست زدند تا افکار عمومی را برای تدارکات نظامی گسترده امپریالیسم و متحدانش در منطقه آماده سازند. کاسپار و این برگر، وزیر جنگ ریگان، اعلام کرده است، که در صورت درگیری با اتحاد شوروی در منطقه خلیج فارس، آمریکا در سایر نقاط جهان حمله را آغاز خواهد کرد. معنی این سخن، تهدید اتحاد شوروی است که در صورت مداخله نظامی آمریکا در منطقه، عکس العملی از خود نشان ندهد. از سوی دیگر، تدارکات وسیع صهیونیسم اسرائیل برای حمله به سوریه ادامه دارد و به واکنش هشدار دهنده اتحاد شوروی انجامیده است.

این تحریکات نظامی امپریالیستی در منطقه خاورمیانه و نزدیک، اکنون با اجرای توطئه جنگ فرسایشی عراق علیه ایران سهل تر و بازمنه مناسب تر انجام می گیرد. سفیر جمهوری اسلامی ایران در کویت اعلام کرد: رژیم عراق در اجرای طرح امپریالیسم آمریکا بسا آلوده نمودن آبهای منطقه قصد دارد جمهوری اسلامی ایران را وادار به گسترش میدان جغرافیایی جنگ نموده و در نهایت، عمل متقابل ایران را تبدیل به بهای برای ورود نیروهای تجاوز سرب آمریکا سازد."

هر روز آشکارتر می گردد که آمریکا از هر وسیله ای استفاده می کند تا جنگ فرسایشی تحمیلی را به دستاویزی برای توطئه های نظامی خود در منطقه و به وسیله ای برای تحلیل بسردن نیروهای انقلابی و مردمی در داخل ایران و تقویت جناح محافظه کار راستگرا تبدیل سازد. با از دست رفتن فرصت در اجلاس دلی نو برای کوشش در جهت برقراری صلح، اکنون، جمهوری اسلامی ایران باید از مأموریتی که کنفرانس دلی نو به خانم گاندی در مورد جنگ تجاوزی عراق علیه ایران داده است، به گفته نخست وزیر براسی "استقبال" کند. تنها از طریق بکار گرفتن همه طرق و وسایل پایان دادن به جنگ می توان "صلح عادلانه" را برقرار ساخت.

چگونه می توان حقوق زحمتکشان را احقاق کرد

روزنامه اطلاعات در مقاله ای تحت عنوان "مستضعفین یا "ضعفا" (مندرج در شماره نهم فروردین) می نویسد: "نخست وزیر امسال را سال مستضعفین اعلام

درسهایی از قیام دلیرانه مردم آذربایجان، گیلان و خراسان

۶۳ سال از قیام مردم آذربایجان برهبری شیخ محمد خیابانی و ۶۲ سال از آغاز قیام مردم خراسان برهبری کتل محمد تقی خان پسیان گذشت.

هریک از این قیامها تجلی روح جنبش ضد امپریالیستی و رهایی‌بخش ملی مردم ایران پس از قیام تنباکو و انقلاب مشروطیت بوده که، علل عمیق اجتماعی - اقتصادی و سیاسی داشت.

با پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی انبیسر شرایط مساعد جهت گسترش جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، ضد امپریالیستی و دمکراتیک در کشور های مستعمره و نیمه مستعمره بوجود آمد.

در ایران انقلاب دمکرات ها به رهبری شیخ محمد خیابانی در آذربایجان، جنبش جنگل به سرکردگی میرزا کوچک خان در گیلان، قیام مردم خراسان برهبری کتل محمد تقی خان پسیان در سالهای (۱۳۰۰ - ۱۲۹۸) همه به سه سبب تشدید تضاد های درونی جامعه ایران و در شرا مساعد بین الطلی پس از پیروزی اکثر کبیر نتایج گرفت و به موفقیت‌هایی هر چند موقتی، نیز دست یافت.

علل اصلی قیام های آذربایجان و خراسان را باید در اهداف آنها جستجو کرد. تمامی جنبش‌های مردمی ایران آن روز از طرفی علیه رژیم فاسد اشرافی و ارباب رعیتی و از طرف دیگر علیه تسلط روز افزون امپریالیسم بوده است.

به شهادت اسناد موجود، قیام آذربایجان و خراسان طبق نقشه پیش‌بینی شده توسط دمکراتها تدارک دیده می‌شد. قیام از پشتیبانی جدی سوسیال دمکراتهای ایران برخوردار بود. اما متأسفانه عدم هماهنگی بین این سه بخش از جنبش

ضد امپریالیستی مردم ایران منجر به شکست این قیام ها شد.

قیام پیروزمند در آذربایجان و خراسان نتوانست به گونه‌ای متشکل و پیگیر همه شهرها، قصبات و دهات را فراگیرد. انقلاب برای دفاع، تحکیم و گسترش دستاوردهای خود تدارک لازم و کافی را ندید و شکست خورد. لیکن اهداف و مقاصد والایی که این قیامها نیل بدان را وظیفه عمد خود قرار داده بودند، چیزی نبود که بطی سرکوت آنها از بین بیرون. وظایف اساسی اجتماع اقتصادی و سیاسی که در مقابل جامعه ایران قرار داشت، حل قاطع خود را طلب می‌کرد. سرکوت انقلاب ها و قیامها، اصلاحات نیم بند و وعده و وعبه ها چیزی نبود که به تواند مسائل اساسی جامعه را به شیوه‌ای بنیادی حل کند.

درس عبرت آموز آن قیامهای تاریخی بار دیگر به وجهی انکارناپذیر به اثبات می‌رسند که موجود آرزوهای مقدس و آمال والای آزاد خواهی، میهن دوستی و استقلال طلبی، بخیر خواهی، نیک اندیشی و جوانمردی که خیابانی و میرزا کوچک خان و محمد تقی خان پسیان از مظاهر برجسته همه آنها بودند، برای حفظ، تحکیم و گسترش یک جنبش انقلابی به تنهایی به هیچوجه کافی نیست. هر انقلاب بنیادی اجتماعی، پس از پیروزی اولیه نیز، هیچگاه از رویارویی سرسختانه دشمنان طبقاتی خلق زحمتکش همچون راستگرایان امروزی، از توطئه‌ها، خرابکارها و دستبردهای ضد انقلاب داخلی و خارجی مصون نبوده و نیست. بر اساس تجربیات مکرر تاریخی است که گفته‌اند: انقلاب باید بتواند از خود دفاع کند!

روزهای دشوار اوپک

هفته نامه "عصر جدید" چاپ شوروی در شماره ۶ سال جاری خود در مقاله‌ای تحت عنوان "حق ضمن اشاره به بحران شدید سیستم جهانی سرمایه‌داری می‌نویسد:

"این بحران کشورهای در حال توسعه به ثروتمند، یعنی کشورهای تولید کننده نفت را نیز بی نصیب نگذاشته است. کاهش عمومی تولیدات صنعتی در غرب و اقداماتی که برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی صورت گرفته است، مصرف جهانی نفت و در نتیجه تولید نفت را بطور قابل ملاحظه کاهش داده است."

مقاله با ذکر اینکه بین سال‌های ۱۹۷۹ و ۱۹۸۱ تولید کل نفت از ۲٫۵ بلیون بشه آرا بلیون تن رسید و در سال ۱۹۸۲ به کمتر از ۲ بلیون یعنی به سطح سال ۱۹۷۰ تنزل کرد، می‌نویسد: "از این رو سهم اوپک در تولید نفت جهان سرمایه‌داری از ۱۶ درصد و سپس به ۴۸ درصد رسید."

سپس گفته می‌شود: "در عوض مکزیک، بریتانیا و نروژ سرعت مواضع کشورهای عضو اوپک را در بازارهای سرمایه‌داری اشغال می‌کنند. بازارهای ارقام در باره تولید نفت این کشورها که افزایش چشمگیری نشان می‌دهد آمده است و نتیجه گیری شده که "تغییرات ساختاری در بازار نفت سرمایه‌داری مواضع اوپک را تضعیف کرد و قدرت آنرا در تعیین قیمت ها کاهش داده است."

در رابطه با کاهش قیمت نفت، مقاله به ایسن امر اشاره دارد که مکزیک، بریتانیا و نروژ اخبار افزایش صدور نفت و فروش آن به قیمتی کمتر از نرخ های تعیین شده توسط اوپک در مارچ ۱۹۸۲، در پایین آوردن قیمت نفت نقش مؤثر داشتند و نیز ذکر می‌کند که کمپانی های بین‌المللی نفت بمنظور کاهش مقدار نفت انبار شده، قیمت را بطور قابل توجهی پایین آوردند. همچنین اشاره شده که برخی کشورهای اوپک نیز بنا به نیاز خود به پول، بدخواه خود از سهمیه ای که توسط اوپک بر آنها تعیین شده بود بیشتر تولید کردند. در همین حال قیمت نفت را کاهش دادند.

مقاله با اشاره به اجلاس اواخر ژانویه اوپک و اختلاف میان ایران و عربستان سعودی، علت عدم موفقیت این اجلاس را سرباز زدن عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و قطر از امضای موافقت نامه مینی بر تعیین سهمیه های جدید تولید می‌داند و می‌نویسد:

"تا وقتی که رکود (در بازار نفت سرمایه‌داری) آدا دارد، که به نظر می‌رسد برای همیشه ادامه داشته باشد، اوپک ممکن است بسیاری از مواضعی را که در سال های گذشته به سختی بدست آورده بود از دست بدهد."

مقاله در حاحه می‌نویسد:

"اختلافات درون اوپک به نفع امپریالیست ها است. امید است که بالاخره عقل سلیم همبستگی در این سازمان با نفوذ کشورهای مادر کننده نفت حاکم شود، وگرنه هر یک از اعضا اوپک مجبورند دوباره با انحصارات امپریالیستی به تنهایی مواجه شوند."

در هفته‌ای که گذشته

بنده از صفحه ۱۸۰ دستمزد چند رغاز ما را در شرایطی که نسبت به یک سال پیش قیمت‌ها افزایش چشمگیری (در برخی موارد چند برابر) نشان می‌دهند، تصمیم "شورای عالی کار" مبنی بر ثابت نگه داشتن حداقل دستمزد به بهانه "تورم" و "جنگ" و غیره، ذهن کجی به زحمتکشان ایران است. اما باید اذعان داشت که حتماً تهاجم راستگرایان به همین حقوق ناچهار زحمتکشان نیز نتوانسته است مردم را از صحنه مبارزه بیرون کند. به عنوان نمونه، باید مبارزه روستائیان را ذکر کرد. در بسیاری از روستاها، زنان و کودکان بر روی زمین خوابیده‌اند و مانع از ورود تراکتورهای ارباب به زمین‌هایی شده‌اند که با دستهای خود آنها را آباد کرده‌اند. در مواردی در برابر احکام حکام شرع در مورد باز پس دادن زمین به اربابان از آماج های مردمی انقلاب دفاع کردند و اعلام داشتند فرزندان ما را که در راه دفاع از انقلاب در جبهه‌ها شهید شده‌اند به ما بازگردانید تا زمینها را به اربابان

غاصب واگذار کنیم. در بسیاری موارد نهادها و نیروهای مبارز مسلمان و پیرو آماج های مردمی خط امام جانب دهقانان را گرفتند. مثلاً در روستای محمد تقی کندی از توابع بخش گومسی مجموعاً ۵۰۰ هکتار زمین زراعی وجود دارد که ۳۰۰ هکتار آن توسط ۵۰ خانوار روستایی کشت می‌شود و ۲۰۰ هکتار باقی را فردی بنام حاج عباس حسین زاده آزاد، ساکن اردبیل در تالش خود دارد. اخیراً روستائیان و اعضای شورای اسلامی روستا، در یک نشست همگانی تصمیم می‌گیرند حال که ۲۰۰ هکتار زمین روستا، از جانب ارباب بلاکشت‌ها شده است، زمینهای مزبور را دسته جمعی به زیر کشت ببرند. این تصمیم را عملی می‌سازند. بدنیال این اقدام، بر اثر شکایت مالک، تعدادی از اعضای شوروی دستگیر و به دادگاه مشکین شهر اعزام می‌گردند. دادگاه اعضاء شوروی را محکوم می‌کند و حکم به در اختیار گرفتن زمین توسط ارباب می‌دهد. اعضای شورا پس از آزادی از زندان، در بسک نشست همگانی دیگر، به اتفاق همه روستائیان تصمیم به مقاومت می‌گیرند و همه زمینهای روستا را به زیر کشت می‌برند.

سپاه و جهاد گومی از روستائیان حمایت می‌کنند.



مصاحبه یوری آندروف

یوری آندروف، دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی طی مصاحبه‌ای با روزنامه پراودا سخنرانی اخیر ریگان پیرامون برنامه‌های جدید تسلیحات هسته‌ای را مورد بررسی قرار داد.

وی ضمن تأکید بر اینکه برنامه‌های جدید ریگان سابقه تسلیحاتی را به مرحله‌ای جدید خواهد گشاید، افزود: دولت آمریکا همچنان مستکبری خطرناک را دنبال میکند. وی گفت: هر تسلاشی برای کسب برتری نظامی بر اتحاد شوروی بیهوده است. اتحاد شوروی هرگز چنین اجازه‌ای به طرف نداده و در مقابل هیچ خطری غیر مسلم نخواهد ایستاد. وی افزود: هیچ‌کس در دروازه‌های این طلب با تمام عواقبش درک شود. آنها باید فکریافتن طرق جدیدی برای انجام جنگ هسته‌ای هاتیم با امید پیروزی در آن را برای همیشه از مغز خود دور کنند.

وی گفت: اگرچه رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانیش اتحاد شوروی را مخاطب قرار داده است، اما این مسئله نیست که به تمام خلق‌های جهان مربوط میشود. باید بطور روشن دید که سیاستمداران آمریکایی میکوشند کشورهای اروپایی را به گروه‌های هسته‌ای خود تبدیل کنند. شیوه عمل واشینگتن تمام جهان را مورد مخاطره قرار داده است. امروز باید تمام تلاشها را متوجه جلوگیری از وقوع فاجعه هسته‌ای ساخت. ما آمریکا را فرا میخوانیم تا در این جهت گام بردارد.

از ۱۷ کشور و سازمانهای بین المللی از جمله سازمان ملل متحد، شورای جهانی صلح، سازمان روح، مدت آفریقا و شورای جهانی کلیساها در آن شرکت داشتند. برنامه عملی برای دعوت کشورهای انجام چهار انجمنهای اقتصادی علیه رژیم نژاد پرستان پرتوریا، ترموی ساختن آن در جهان تهیه شد. آنها همچنین خواستند تا کارزار همبستگی با خلق آفریقای جنوبی، کشورهای هم‌مرز آن و خلق ناپییاسا سازمانهای سواپورو کنگرسل آفریقا تشکیل شود. در این کنفرانس‌ها روشنی‌نماییان شد که بدون کمک‌های آمریکا و همیمانانش رژیم پرتوریا را یکنه‌میز قار، بر باد امینیا نشکن خود نیست.

در این کنفرانس نقش خراب کشورهای "گروه ۵" در به ترموی قانداختن استقلال ناپییاسا شدیداً محکوم شد. دخالت در امور داخلی آنکولا و همیمان کنسیدن حفصور نیروهای کوبانی در این کشور مورد اعتراض شرکت کنندگان در کنفرانس قرار گرفت.

بزرگترین تظاهرات پس از کودتای ۱۹۷۳ در شیلی

زمین زیر پای دیکتاتور شیلی میلرز. هفته گذشته در شهرهای بزرگ شیلی ده‌ها هزار تن بخیا با تها ریختند تا در گرد هم آئینها و رامیها - شیهای اعتراضی شرکت کنند. تظاهرات کنندگان علیه رژیم شعار میدادند و اعلامیه پخش میکردند. بر خورد های زیادی با پلیس رژیم دیکتاتور انجام گرفت. رویدادها در سانتیاگو پایتخت شیلی توفانی تر از نقاط دیگر بود. حتی وسائل ارتباط جمعی کنترل شده نتوانستند دامنه وسیع آنها را منعکس نکنند. مخازه‌ها بسته بود و مردم با وسائل گوناگون در برابر هجوم پلیس مقاومت میکردند. شعار اصلی تظاهرات کنندگان این بود: "آزادی و دموکراسی هم اکنون!" در شهر والپارایسو شبکه برق رسانی قطع شد. در شهر کنسپسیون بسیاری ماشین‌های لوکس به آتش کشیده شد. صد ها نفر توسط پلیس بازداشت شدند. در شهر تموکو واقع در جنوب شیلی دهقانان سرخ پوست و بی‌شماران علیه سیاست دولت که از مملکتان و سرمایه‌داران بزرگ حمایت می‌کند شدیداً اعتراض کردند و تصمیم گرفتند بدهی

باز هم محکومیت نژاد پرستان

کنفرانس بین‌المللی همبستگی با کشورهای خطیقد م جبهه در لیسبون پایتخت پرتغال به کار خود پایان داد. در این کنفرانس که نمایندگان از بیش

خود را به بانکها نپردازند. خیرگزارینها این روز اعتراض را بزرگترین عمل توده‌ای علیه رژیم دیکتاتور آرژانتین کردند. بنظر فرانس پرس مردم به خیابانها ریختند تا علیه بیکاری فزاینده، گرانی و عملاً محو سیاست دولت که شیلی را به لب پرتگاه فاجعه اقتصادی کشانده است اعتراض کنند.

رژیم دیکتاتور کوشید از پخش اخبار مربوط به این تظاهرات در خارج جلوگیری کند. اما همین اخبار جسته و گریخته‌ای که به خارج درز کرده بقدر کفایت گواست. اینک باید در انتظار افزایش موج همبستگی با مردم شیلی بود.

فلسطین

یاسر عرفات، رئیس کمیته اجرائیه سازمان آزادیبخش فلسطین در دمشق اعلام داشت که تظاهرات ت علیه دانشجویان، کودکان، زنان، ساختن آبادی های یهودی نشین و حمله به اماکن مقدسه اسلامی نمیتوان خلق فلسطین را از سرزمین خود راند.

وی از مقاومت خلق فلسطین در مناطق اشغالی غلیطرحها و اعمال اسرائیل و امپریالیسم آمریکای قدر دانی کرد.

همچنین در هفته گذشته اعلام شد که یسک هیئت از سازمان آزادیبخش فلسطین نمایندگان حزب کمونیست اسرائیل ملاقات کرد و پیرامون مسائل مختلف مورد علاقه دو طرف به گفتگو پرداخته اند.

در این ملاقات حزب کمونیست اسرائیل حمایت بیدریغ خود را از خواستهای عادلانه خلق عرب فلسطین برای بازگشت به سرزمین خود و تشکیل دولت مستقل فلسطینی را اعلام و دولت اشغالگر اسرائیل را فراخواند تا پشتمرزهای سال ۱۹۴۷ عقبنشینی کند.

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

عطا، آمریکا ۳۰۰ دلار
الف، هایدلبرگ ۲۰۰ مارک

نشریات حزب توده ایران را در آمریکا از این کتابفروشی‌ها می‌توانید تهیه نمایید

- | | | |
|--|--|---|
| SAN FRANCISCO, CA 94110
The Book Center
518 Valencia St.
415-626-2924 | LOS ANGELES, CA 90017
Progressive Bookshop
2711 W. Pico Blvd.
213-732-8435 | TUCSON, AZ 85701
Campana Books
1025 N. Grande Ave.
602-882-8301 |
| NEW YORK CITY, NY 10011
Unity Book Center
237 W. 23 St.
212-242-2934 | WASHINGTON, DC 20009
Salt of the Earth
1762 Columbia Road N.W.
202-667-1770 | BALTIMORE, MD 21201
New Era Book Shop
408 Park Ave.
301-539-6364 |
| CHICAGO, IL 60605
Modern Book Store
407 S. Dearborn St.
Suite 230
312-663-9076 | PORTLAND, OR 97204
John Reed Bookstore
Dekum Bldg, Room 613
519 SW 3 Ave.
503-227-2902 | DETROIT, MI 48203
Global Books
16145 Woodward Ave.
Highland Park
313-883-4940 |
| PHILADELPHIA, PA 19119
W.E.B. Du Bois Bookstore
930 N. Marshall St.
215-629-9096 | CLEVELAND, OH 44113
All Peoples Books
4307 Lorain Ave.
216-281-7141 | SAN JOSE, CA 95110
Bread & Roses Bookshop
950 So. First St.
408-294-2930 |

RAHE TUDEH
No. 36
Friday, 8 Apr. 83

Address: **Winfried Schwarz**
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Prices:

West-Germany	1 DM	England 30	P.
France 3	Fr.	Belgium 22	Fr.
Austria 8	Sch.	Italy 600	L.
		U.S.A. 40	Cts
		Sweden 3	Skr.

